



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تا دولت کریمه...

بررسی رسالت‌ها و راه‌بردهای
فرهنگی - تربیتی دولت زمینه‌ساز

اصغر کریم‌زاده*، مسن ملای**

چکیده

قرن‌های متمادی است که مظلومان و عدالت‌خواهان، منتظر ظهور موعودی هستند که حضور مقتدرانه وی به همراه تشکیل حکومت عدل جهانی و نابودی بساط ظلم و بی‌عدالتی، در کتب آسمانی وعده داده شده و امام مهدی 4 همان موعودی است که اسلام مزده ظهورش را داده، اما این ظهور، بی‌زمینه‌سازی، امری نامعقول خواهد بود. با توجه به گستردگی قیام حضرت مهدی 4 و نیز دشمنان آن حضرت که منسجم و سازمان‌یافته در مقابل حضرت هستند، قالب اقدام برای زمینه‌سازی نیز باید متناسب با قدرت دشمن، لحاظ شود. به همین جهت، دولتی که زمینه‌ساز حکومت جهانی حضرت باشد، بهترین گزینه است.

در این مقاله، ضمن توجه به لزوم زمینه‌سازی برای ظهور و نیز چیستی و آرمان دولت زمینه‌ساز ابتدا به رسالت‌های فرهنگی - تربیتی دولت زمینه‌ساز پرداخته می‌شود. پس از آن در این چارچوب، راه‌بردهای دولت زمینه‌ساز در دو دسته راه‌بردهای داخل و خارج از کشور عرضه خواهد شد.

واژگان کلیدی

حضرت مهدی 4، حکومت جهانی، ظهور، زمینه‌سازی، دولت زمینه‌ساز، رسالت‌های فرهنگی، رسالت‌های تربیتی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

انسان برای رسیدن به کمال هستی و مقصد نهایی و فرار از امواج سهمگین روزگار ظلم و بی‌عدالتی و رسیدن به ساحل نجات به دست مصلح و منجی نهایی، لحظه‌شماری می‌کند. از طرفی اراده الهی بر این امر تعلق گرفته که روزی منادی و مجری عدالت خواهد آمد:

(و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)^۱

و ما بر آن هستیم که بر مستضعفان روی زمین نعمت دهیم و آنان را پیشوایان سازیم و وارثان گردانیم.

روزی که صالحان، وارث زمین خواهند شد و آن را از چنگال طالحان و جباران رها خواهند ساخت:

(وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)^۲

در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته‌ام، وارث [حکومت] زمین خواهند شد.

بنابراین، اصل ظهور منجی آسمانی که کتب آسمانی نیز او را وعده داده‌اند و بشر آمدنش را انتظار می‌کشند، امری قطعی است؛ اما آیا ما می‌توانیم در امر تعجیل ظهور، نقش داشته باشیم؟ به عبارتی، آیا می‌توان با زمینه‌سازی، به ظهور حضرت ولی عصر^۴ شتاب بخشید؟ اگر ما به زمینه‌سازی برای ظهور موظف هستیم، این کار چگونه صورت می‌پذیرد؟ آیا وظایف افراد فقط به وظایف فردی منحصر می‌شود یا حکومت و دولت نیز در این زمینه وظایفی برعهده دارد؟

همان‌گونه که در تعریف علمی از دولت نیز آمده،^۳ دولت بر واقعیت‌هایی استوار است که در گذشته، اکنون و آینده وجود دارند. بنابراین، آینده‌نگری و توجه به افق پیش رو نیز از وظایف مهم دولت به شمار می‌آید.

لزوم زمینه‌سازی برای ظهور

برخی با تمسک به دسته‌ای از روایات و برداشت نادرست از آنها، این‌گونه نتیجه‌گیری کرده‌اند که انسان‌ها، هیچ نقشی در ظهور ندارند و باید نظاره‌گر باشند تا اراده الهی بدان تعلق گیرد و ظهور محقق گردد.^۴ بدیهی است نتیجه این دیدگاه، انتظار تکوینی و سلب اختیار از انسان است که با عقل سازگار نیست.

برخی نیز با تمسک به روایت «امتلا» که متواتر بین شیعه و اهل سنت است،^۵ وجود و اشاعه ظلم، جور، فحشا و منکرات را توجیه می‌کنند^۶ که این کار آنها، با روح قرآن و احادیث^۷ در تعارض کامل است.

دلایلی که برای اصل زمینه‌سازی وجود دارند، عبارتند از:

اصل ظهور منجی آسمانی که کتب آسمانی نیز او را وعده داده‌اند و بشر آمدنش را انتظار می‌کشند، امری قطعی است

الف) دلیل عقلی

از نظر عقلایی می‌توان گفت: تشکیل حکومت جهانی با آن عظمت و شکوه، به صورت دفعی محال نیست، اما دلیل عقلی یا نقلی معتبر بر چنین وقوعی نداریم. ممکن است خود ظهور به دلیل عدم توقیت، به طور ناگهانی صورت گیرد، اما قطعاً نمی‌توان گفت بدون هیچ زمینه‌ای انجام می‌شود.

آیه‌الله مکارم شیرازی، درباره انواع آمادگی‌ها برای حکومت جهانی می‌نویسد:

برای این که دنیا چنان حکومتی را بپذیرا باشد، چند نوع آمادگی لازم است:

۱. آمادگی فکری و فرهنگی: یعنی سطح افکار مردم جهان، آن چنان بالا رود که بدانند مثلاً مسئله نژاد یا مناطق مختلف جغرافیایی، مسئله قابل توجهی در زندگی بشر نیست و تفاوت رنگ‌ها و زبان‌ها و سرزمین‌ها، نمی‌تواند بشر را از هم جدا سازد...

۲. آمادگی اجتماعی: مردم جهان باید از ظلم و ستم و نظامات موجود خسته شوند، تلخی این زندگی مادی و یک‌بعدی را احساس کنند و حتی از این که ادامه این راه یک‌بعدی، ممکن است در آینده مشکلات کنونی را حل کند، مأیوس گردند.

۳. آمادگی‌های تکنولوژی و ارتباطی: بر خلاف آنچه بعضی می‌پندارند که رسیدن به مرحله تکامل اجتماعی و رسیدن به جهانی آکنده از صلح و عدالت، تنها با نابودی تکنولوژی جدید امکان‌پذیر است، وجود این صنایع پیش‌رفته، نه تنها مزاحم یک حکومت عادلانه جهانی نخواهد بود، بلکه شاید بدون آن وصول به چنین هدفی محال باشد... معجزه، استثنایی است: منطقی در نظام جاری طبیعت، برای اثبات حقانیت یک آیین آسمانی؛ نه برای اداره همیشگی نظام جامعه.

۴. آمادگی‌های فردی: حکومت جهانی قبل از هر چیز، نیازمند عناصر آماده و باارزش انسانی است تا بتواند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را به دوش بکشد.^۸

ب) دلایل نقلی

۱. آیات قرآن

جدای از آیاتی که به صورت عموم بر لزوم زمینه‌سازی دلالت می‌کند،^۹ آیاتی در قرآن به طور ویژه، لزوم زمینه‌سازی را بیان می‌نماید؛ از جمله، علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه ۵۲ از سوره سبأ که می‌فرماید: (وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَأَنَّى لَهُمُ التَّنَاطُشُ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ)؛ «و می‌گویند: به حق ایمان آوردیم ولی چگونه می‌توانند از فاصله دور به آن دست یابند»، می‌نویسد:

وقتی قائم 4 به سرزمین «بیداء» برسد، لشکر سفیانی در برابرش صف‌آرایی می‌کند. پس خدای عزوجل زمین را دستور می‌دهد تا پاهای ایشان را در خود فرو ببرد و بگیرد، و در باره همین مورد است که خدای عزوجل می‌فرماید:

(وَلَوْ تَرَى إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَأُخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ)؛^{۱۰} یعنی می‌گویند: اینک ما به قائم آل محمد 4 ایمان آورده‌ایم؛

(وَأَنَّى لَهُمُ التَّنَاطُشُ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ * وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ)؛^{۱۱} یعنی بین آنان و عذاب نشدن، حایل ایجاد می‌شود؛

(كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ)؛^{۱۲} یعنی آنهایی که قبل از ایشان، مکذبین بودند و هلاک شدند؛

(مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ).^{۱۳}

این آیه، دست‌رسی به ایمان (از جمله مهدی) از مکان دور دست را ناممکن می‌داند؛ زیرا آنان این ایمان را هنگام گرفتار آمدن در چنگال مجازات بیان کردند و آن را خلاصی خود قرار دادند و ایمان اضطرابی که از روی خوف و وحشت باشد، ارزشی نخواهد داشت. از این آیه استفاده می‌شود که اگر ایمان به حضرت مهدی 4، واقعی (و از جای نزدیک و قرب ولایی) باشد، ممکن است عاملی برای دست‌رسی به آن حضرت باشد. اما چنانچه ایمانی ظاهری (و از مکان بعید، و دور از محبت و ولایت) باشد، اثری نخواهد بخشید.

قرآن در جای دیگر می‌فرماید:

(إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ)؛^{۱۴}

خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد، مگر آن‌که آن‌چه را در خودشان است، تغییر دهند.

با استناد به روایات و دلایل عقلی فراوان، می‌توان دریافت که حضور حضرت مهدی 4 و برخورداری از نعمت ظاهری و معنوی حکومتش، در گرو حرکت و دگرگونی جامعه انسانی عموماً و جامعه اسلامی خصوصاً است. دست‌کم شروع حرکت اصلاحی در جامعه، می‌تواند نویدی بر اسبغ نعمت الهی ظهور و حضور باشد. از کلمات «قوم» و «انفسهم»، در این آیه شریفه و آیات مشابه،^{۱۵} استفاده می‌شود که اراده جمعی جامعه، فراهم‌کننده بسترهای گوناگونی است که در سرنوشت آن اجتماع تأثیر به‌سزایی دارد. در واقع، تغییر زیرساخت‌های ارزشی جامعه، بستر و زمینه مهمی در دگرگونی اوضاع اجتماعی است. این تغییر از درون اندیشه و جان انسان‌ها نشئت می‌گیرد و آغاز می‌شود و سپس اراده نو اجتماعی مناسب با آن اندیشه و آرمان، به دنبالش ظاهر می‌گردد.

بنابراین، برای تکامل جامعه و در نهایت رسیدن به یک نتیجه مطلوب اجتماعی، فراهم آوردن برخی از زمینه‌های اجتماعی، امری اجتناب‌ناپذیر است. به همین ترتیب، آیات دیگری نیز بر ضرورت موضوع دلالت دارد.^{۱۶}

۲. روایات

روایات در این زمینه، بسیار زیاد است. به جهت دسته‌بندی، به واژه‌های کلیدی و مهم به کار رفته شده در این روایات اشاره می‌کنیم:

- وطاء: در بردارنده معنای هموارسازی است. و عبارت «وطاء الشيء»، یعنی آن چیز را آماده و مهیا ساخت.^{۱۷}

طبرانی و ابن‌ماجه از پیامبر ﷺ نقل می‌کنند که فرمود:

يُخْرَج نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ؛^{۱۸} گروهی از مشرق خروج می‌کنند و زمینه حکومت مهدی را آماده می‌سازند.

- مهد: در بردارنده معنای آماده‌سازی است و عبارت «مهدت الأمر» یعنی آن کار را آماده کردم؛^{۱۹} چنان‌که این آیه شریفه می‌فرماید:

(وَمَنْ عَمِلْ صَالِحًا فَلِأَنْفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ)؛^{۲۰}

و کسانی که کار شایسته کنند، [فرجام نیک را] به سود خودشان آماده می‌کنند.

حدیث نبوی نیز می‌فرماید:

و انه يخرج قوم من اهل المشرق او خراسان يمهدون للمهدي سلطانة وهم اصحاب الريات السود و يكون قائدهم الخراساني من ذرية الحسين.^{۲۱}

- روایات متضمن واژه‌های «العرق» و «العلق»

با استناد به روایات و دلایل عقلی فراوان، می‌توان دریافت که حضور حضرت مهدی 4 و برخورداری از نعمت ظاهری و معنوی حکومتش، در گرو حرکت و دگرگونی جامعه انسانی عموماً و جامعه اسلامی خصوصاً است

بشیر نبال می‌گوید:

... لما قدمت المدينة، قلت لابی جعفر انهم يقولون ان المهدي لوقام لاستقامت له الأمور عفواً، و لا يهريق محجمه دم. فقال: كلا! والذي نفسي بيده! لو استقامت لاحد عفواً، لاستقامت لرسول الله ﷺ حين ادميت رباعيته، و سُجَّ في وجهه! كلا! والذي نفسي بيده! حتي نمسح نحن و انتم العرق والعلق، ثم مسح جبهته؛^{۲۲}

... هنگامی که به مدینه رسیدم، به امام باقر 7 عرض کردم: آنان می‌گویند: هنگامی که مهدی 4 قیام کند، کارها به خودی خود، برای او سامان می‌گیرد و حتی به اندازه حجامتی هم خون نمی‌ریزد. حضرت فرمود: «هرگز چنین نیست! سوگند به آن که جانم به دست اوست! اگر قرار بود کارها برای کسی به خودی خود سامان گیرد، هر آینه برای رسول خدا سامان می‌گرفت، در آن روز که دندان‌هایش شکست و صورتش مجروح گشت! نه! قسم به آن که جانم به دست اوست! چنین نخواهد شد تا آن که ما و شما، عرق و خون را از چهره خود پاک کنیم»

معمر بن خلاد نیز می‌گوید:

ذكر القائم عند ابي الحسن الرضا. فقال: انتم اليوم ارخي بالامنكم يومئذ... قالوا: كيف؟ قال: لو قد خرج قائمنا لم يكن الا العلق والعرق، والنوم على السروج...^{۲۳}

در مجلس امام رضا 7 از امام قائم 4 یادی به میان آمد. آن حضرت فرمود: «شما، امروز [که امامتان قیام نکرده و حکومت را به دست نگرفته] در آسودگی و آسایش بیشتری نسبت به آن روز [که امامتان قیام کند] قرار دارید.» از آن حضرت پرسیدند: چه طور چنین است؟ فرمود: «هنگامی که قائم ما [اهل بیت] خروج کند، چیزی جز عرق ریختن و خون بسته‌شده‌ای [که از سختی کار بر پوست دست و صورت ظاهر می‌شود] و نیز خواب و استراحت بر روی مرکب‌ها نخواهد بود...»

- روایات بیان علت طولانی شدن غیبت

امام صادق 7 درباره طولانی شدن عذاب بنی اسرائیل می‌فرماید:

فلما طال على بنى اسرائيل العذاب ضجوا و بكوا الى الله اربعين صباحاً فاوحى الله الى موسى و هارون يخلصهم من فرعون فحط عنهم سبعين و مائة سنة. هكذا انتم لو فعلتم لفرج الله عنا، فاما اذ لم تكونوا فان الامر ينتهي الى منتهاه؛^{۲۴}

زمانی که عذاب بنی اسرائیل طول کشید، آنان ضجه زدند و چهل روز به درگاه خدا گریستند. پس خداوند به موسی و هارون ۸ وحی کرد که آنان را از فرعون خلاصی می‌بخشد. پس ۱۷۰ سال گرفتاری از آنان برطرف شد. هم چنین شما اگر چنین کنید، خداوند فرج ما را می‌رساند و اگر مانند آنان نباشید، امر [فرج] به انتهای زمان معین خود می‌رسد.

این روایت به صراحت بیان می‌کند که اگر درست اقدام شود، می‌توان طول غیبت را کاهش داد.

روایاتی نیز به آماده شدن برای قیام آن حضرت اشاره می‌کنند:

ليعدن احدكم لخروج القائم و لو سهياً؛^{۲۵}
برای خروج حضرت قائم 4 اگر شده حتی یک تیر آماده کنید.

سیاست‌های دولت زمینه‌ساز

چنان که گفته شد، آینده‌نگری و توجه به افق پیش رو، از وظایف مهم دولت است. در حال حاضر، آینده‌پژوهی و آینده‌نگری، جزو مباحث علمی و دانشگاهی قرار گرفته و با توجه به اعتقاد یقینی به تحقق جامعه مهدوی باید در جهت تعجیل آن بکوشیم و برای برپایی آن جامعه تلاش کنیم.

در جامعه ایرانی مسلمان، دولتی مطلوب است که برای تحقق جامعه مطلوب گام بردارد، رفتارها را شبیه جامعه آرمانی کند و در زمینه‌سازی ظهور تلاش نماید. لزوم زمینه‌سازی، در مباحث پیشین بحث شد، اکنون به بیان سیاست‌های دولت زمینه‌ساز می‌پردازیم.

رسالت‌های دولت زمینه‌ساز

الف) ایجاد رغبت عمومی به حکومت مهدوی^{۳۶}

۱. تبیین جای‌گاه امام در حیات انسان، هستی و جامعه

تلاش همه انسان‌ها در زندگی برای دستیابی به سعادت است، اما اگر در حقیقت سعادت انسان و عوامل مؤثر بر آن دقت شود، مشخص خواهد شد که نه تنها مسائل فردی، بلکه جامعه و حتی هستی را در تعاملی نزدیک با عاقبت و سعادت انسانی می‌توان بررسی کرد. اگر جای‌گاه امام در حیات انسان، هستی و جامعه، تبیین شود و افراد جامعه بدانند و باور کنند که امام، واسطه فیض است و خداوند، آسمان و زمین را به برکت وجود آن بزرگوار نگه داشته^{۳۷} و زمین لحظه‌ای را بدون او تحمل نخواهد کرد^{۳۸} و بدانند امامت چیست و امام کیست و به بیانی دیگر، پررنگ کردن نقش امام در محورهای مذکور، بی‌شک در ایجاد رغبت عمومی به حکومت مهدوی و تربیت نسل زمینه‌ساز، کمک شایانی خواهد کرد.

۲. تشریح صفات امام مهدی ۴

اگر در جامعه، صفات امام برای مردم تشریح شود و آثار و نتایج اعتقاد به آن بزرگوار بازگو گردد، شیرینی کلام آن بزرگوار و عطر اطاعت راستین از ایشان، در جامعه پیچیده خواهد شد.^{۳۹} اگر مردم بدانند که فقدان شناخت امام، موجبات مرگ معنوی، ضلالت، جهالت و کفر و نفاق را فراهم خواهد کرد^{۴۰} و شناخت حقیقی دین، به شناخت امام وابسته است،^{۴۱} به یقین بسیاری از مشکلات جامعه حل خواهد شد. در این میان، دولت زمینه‌ساز می‌تواند با گسترش امکانات خویش و ایجاد بسترهای مناسب و با استفاده از ابزارهای مناسب، در مسیر تحقق این امر مهم، گام‌های مؤثری بردارد.

۳. توسیم دورنمای حکومت مهدوی

شاید یکی از علل دوری جامعه از فرهنگ انتظار صحیح حکومت مهدوی، روشن نشدن دورنمای آن حکومت برای افراد آن جامعه باشد. هر چند نمی‌توان درخشندگی حکومت جهانی حضرت قائم ۴ را آن‌طور که هست نشان داد، شاید بتوان با ذکر ویژگی‌هایی از این حکومت در همه زمینه‌ها، دورنمایی از این نظام بهشتی و سراسر عدل آن را توصیف کرد و رغبت عمومی برای دولت کریمه را ایجاد نمود؛ حکومتی که برپایی آن به تعبیر آیات قرآن، همانند زنده شدن دوباره زمین است.^{۴۲} و جانشینی حقیقی انسان بر روی زمین در آن محقق خواهد شد؛^{۴۳} حکومتی که در آن خوف‌ها از بین می‌رود، جان و مال و آبروی مردم در امان قرار می‌گیرد و در سراسر جهان امنیت حاکم می‌شود.^{۴۴} در این عصر فقر و بی‌عدالتی، کیست که با شنیدن اوصاف بهشت عدل مهدوی که در آن آسمان باران خود را فرو می‌ریزد و زمین نباتات خود را بیرون می‌افکند،^{۴۵} این چنین روزگاری را از خداوند طلب نکند؟



۴. ارایه الگوی دولت اسلامی منتظر

برای تحقق رویکردهای جامعه آرمانی اسلامی، تمامی رفتارها، سیاست‌ها، فرهنگ‌ها، رویکردها و گفتارهای دولت، باید شبیه جامعه مطلوبی باشد که وعده آن در قرآن داده شده است. البته مراد آن نیست که این دولت در کمال، هم‌چون دولت مهدوی باشد، ولی دست کم باید با اصول حکومت مهدوی هم‌سو بوده، در جهت اهداف آن حرکت کند. در این جا به چند نمونه از ویژگی‌های بارز دولت موعود اشاره می‌نماییم که دولت زمینه‌ساز نیز باید در مسیر تحقق آنها تلاش نماید:

- فدامحوری

یکتاپرستی و خدامحوری در فرهنگ مذهبی اسلام، نخستین ارزشی است که به آن توجه می‌شود. این ویژگی در عینیت فرهنگ و سیاست جامعه اسلامی، جلوه‌های بسیاری دارد.^{۳۶} این موضوع در عصر طلایی حکومت امام مهدی ۴ به اوج خود می‌رسد. امام صادق ۷ می‌فرماید:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُوذِيَ فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ؛^{۳۷}
زمانی که قائم ۴ قیام کند، هیچ سرزمینی نمی‌ماند، مگر این که ندای شهادتین (لا إله إلا الله و محمد رسول الله) در آن طنین اندازد.

بی‌تردید در وانفسای انسان‌محوری^{۳۸} بشر امروز، تلاش در جهت گسترش فرهنگ خدامحوری در داخل و خارج از مرزها، وظیفه دولت زمینه‌ساز است. از طرفی، دولت منتظر باید تلاش کند که در عمل نیز، خدامحوری را ستون فقرات تمام برنامه‌های خویش قرار دهد.

- اخلاق‌محوری

هر پژوهش‌گر حقیقت‌جو، با اندک کاوش در منابع اولیه اسلام، معنویت‌سالاری و اخلاق‌محوری را در تار و پود تعالیم آن آشکارا نظاره خواهد کرد. کمتر گزاره دینی را می‌توان یافت که ذاتاً صبغه اخلاقی نداشته باشد. در منشور تعالیم اسلامی، هیچ رفتار و پنداری وجود ندارد که نتوان ماهیتی ملکوتی و الهی به آن بخشید. تقوا که یکی از ارزش‌های معنوی و اخلاقی و از اهداف تربیتی در نظام

اسلامی است، از مهم‌ترین مبانی اخلاقی و تربیتی حکومت امام عصر ۴ محسوب می‌گردد. پیامبر ۶ می‌فرماید:

... يَمَلَأُ قُلُوبَ الْعِبَادِ عِبَادَةً وَ يَسْعَهُمْ عَدْلُهُ؛^{۳۹}

دل‌های بندگانش را پر از عبادت می‌کند و عدلش فراگیر می‌شود.

امام باقر ۷ نیز می‌فرماید:

يَا مَرْكَمُ أَنْ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَأَنْ تَحَافِظُوا عَلَي طَاعَتِهِ وَ طَاعَةِ رَسُولِهِ، وَأَنْ تَحْيُوا مَا أَحَى الْقُرْآنُ وَ تَمِيتُوا مَا أَمَاتَ وَ تَكُونُوا أَعْوَانًا عَلَي الْمُهْدِي وَ وُزَرَءَ عَلَي التَّقْوَى؛^{۴۰}

[حضرت مهدی] شما را فرمان می‌دهد که چیزی را شریک او (خدا) نسازید و بر اطاعت او و فرمان‌برداری از پیامبرش کوشا باشید؛ آنچه را قرآن زنده ساخته است، زنده سازید و آنچه را که قرآن در پی نابودی آن است، از میان بردارید؛ در راه هدایت، مددکار باشید و در راه تقوا و پرهیزکاری، کمک‌کار.

- عزت‌محوری

خداوند متعال در قرآن کریم، عزت را تماماً و بالاصاله از آن خویش می‌داند^{۴۱} و در آیات دیگر، آن را بعد از خود، به رسول خدا و مؤمنان متعلق می‌داند.^{۴۲} بنا به فرموده قرآن، هر که را خداوند اراده نماید، عزیز و هر که را بخواهد، ذلیل می‌گرداند.^{۴۳} بی‌تردید حفظ عزت مسلمانان و بالا بردن جای‌گاه حکومت در همه سطوح، بر حکومت اسلامی واجب است؛ اصل مهمی که نبی مکرم اسلام آن را متذکر شده‌اند:

الاسلام يعلو ولا يعلو عليه.^{۴۴}

این‌گونه احادیث و قواعدی مثل «نفی سبیل» در زمینه سیاست خارجی و روابط مسلمانان با کافران، بر تمامی قراردادهای و قوانین حاکم است و نقش کلیدی دارد.

شهید مرتضی مطهری ؛ در این باره می‌فرماید:

در گفتارهای اقبال لاهوری، خواندم که موسولینی گفته است: «انسان باید آهن داشته باشد تا نان داشته باشد»؛ یعنی اگر می‌خواهی نان داشته باشی، زور داشته باش. ولی اقبال می‌گوید: «این حرف درست نیست؛ اگر می‌خواهی

نان داشته باشی، آهن باش.» نمی گوید آهن داشته باش؛ بلکه آهن باش؛ یعنی شخصیت تو، شخصیتی محکم به صلابت آهن باشد. می گوید: شخصیت داشته باش. چرا به زور متوسل می شوی؟ چرا به اسلحه متوسل می شوی؟ بگو اگر می خواهی هر چه داشته باشی، خودت آهن باش؛ خودت فولاد باش؛ خودت شخصیت داشته باش؛ خودت با صلابت باش؛ خودت منش داشته باش.^{۴۵}

«معز المؤمنین» (عزت بخش مؤمنان)، یکی از القاب وجود نازنین امام مهدی 4 است. در جامعه و نظامی که ایشان بنیان گذار و حاکم آن است، زمام همه امور در دست طبقات محروم و ستم دیده قرار دارد و مستضعفان، با عزت و کرامت، بر امور جامعه حاکم می شوند و به اداره آن می پردازند. رسول اکرم ﷺ فرمود:

اذ بعث الله رجلا من اطائب عترتی و ابرار ذریتی، عدلا مبارکاً ذکياً، لایغادر مثقال ذرة، یعز الله به الدین و القرآن و الاسلام و اهله، و ینزل به الشکر و اهله؛^{۴۶}

هنگامی که خداوند مردی را از پاک ترین فرزندان و خوب ترین عترت من برمی انگیزد که سراپا عدل و برکت و پاکی است، از کوچک ترین حقی چشم پوشی نمی کند؛ خداوند به وسیله او دین و قرآن و اسلام و اهل آن را عزیز می کند و شرک و اهل شرک را خوار و زبون می سازد.

امام سجاد 7 در تفسیر آیه ۵۵ سوره مبارکه نور^{۴۷} در تفسیر ایمان آوردگانی که خدا وعده استخلاف در زمین به آنان داده است، می فرماید:

هم والله شیعتنا اهل البیت، یفعل الله ذلک بهم علی یدی رجل منا، و هو مهدی هذه الامة؛^{۴۸}

به خدا سوگند! آنها شیعیان ما هستند. خداوند این کار را برای آنان به دست مردی از ما انجام می دهد که مهدی این امت است.

دولتی که منتظر دولت موعود است، باید در تمام عرصه ها، مخصوصاً عرصه های بین المللی، از تمامیت اسلام، ارزش های آن و سرزمین اسلامی، هم چون نگهبانی عزت مند، پاس داری کند.

- وهدت مموری

به تأیید قرآن، جوامع بشری ابتدا بر وحدت و برابری استوار بوده اند:

(وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا)؛^{۴۹}

و مردم جز یک امت نبودند. پس اختلاف پیدا کردند.

به طور کلی، تاکنون دو جریان بزرگ اجتماعی در طول تاریخ وجود داشته: اول، جنبش و تلاش کسانی که توقف ظلم و تجاوز و بی عدالتی را می خواسته اند و به عدالت

برای تحقق روی کردهای جامعه آرمانی اسلامی، تمامی رفتارها، سیاستها، فرهنگها، روی کردها و گفتارهای دولت، باید شبیه جامعه مطلوبی باشد که وعده آن در قرآن داده شده است. البته مراد آن نیست که این دولت در کمال، هم چون دولت مهدوی باشد، ولی دستکم باید با اصول حکومت مهدوی همسو بوده، در جهت اهداف آن حرکت کند



و وحدت و برابری انسان‌ها اعتقاد داشته‌اند. دوم، تلاش صاحبان زر و زور و تزویر که حفظ نظام طبقاتی و برتری و تبعیض نژادی و بی‌عدالتی و روابط استثمارگری را خواهانند. در دوران سبزه‌زی، یعنی دوران ظهور ولی عصر 4 که بشر حیات بهاری خود را خواهد دید، آن حضرت شرایط را به گونه‌ای فراهم خواهد کرد که بین مردم، وحدت کامل ایجاد شود. امام صادق 7 می‌فرماید:

يظهر الله عزوجل الحقَّ و العدل في البلاد و يحسن حال عامة العباد و يجمع الله الكلمة و يولف بين قلوب مختلفة؛^{۵۰}

خداوند عزوجل به واسطه او، حق را ظاهر می‌گرداند و عدل را در شهرها گسترش می‌دهد و حال عموم مردم را بهبود می‌بخشد و وحدت کلمه پدید می‌آورد و بین قلب‌های گوناگون الفت ایجاد می‌کند.

امیرمؤمنان 7 در اوصاف امام زمان 4 می‌فرماید:

والقى الرفاة و الرحمة بينهم فيتواسون... ولا يعلو بعضهم بعضا و يرحم الكبير الصغير الكبير؛^{۵۱}

در میان مردم، مهربانی و هم‌دلی برقرار می‌کند؛ پس مردمان در پرتو آن، هم‌دیگر را یاری می‌کنند... و بر یک‌دیگر برتری طلبی ندارند؛ بزرگ‌تر به کوچک‌تر رحم می‌کند و کوچک‌تر به بزرگ‌تر احترام می‌گزارد.

دولت‌مردان وظیفه دارند تا با الگو گرفتن از حضرت مهدی 4، در صدد ایجاد وفاق ملی و اتحاد اسلامی باشند و از طرفی با بررسی عوامل و موانع وحدت، در تهیه عوامل و در رفع موانع بکوشند. همان گونه که روش حکومت حضرت مهدی 4 این چنین است.^{۵۲}

- شایسته‌مهوری

اصل شایسته‌سالاری، با فطرت انسانی، سازگار و در تمامی فرهنگ‌ها و مکتب‌های بشری مورد اتفاق است. اگر اختلافی در این زمینه وجود داشته باشد، به تشخیص معیار صلاحیت و شایستگی مربوط است که اقوام گوناگون هر کدام معیار خاصی برای آن در نظر می‌گیرند. در فرهنگ اسلام هم‌چون دیگر

فرهنگ‌های اصیل، معیار شایستگی، برخوردار از تخصص و تعهد است؛ به طوری که فرد، افزون بر برخوردار از تخصص و توانایی لازم در انجام دادن مسئولیت‌های محوله، خود را به حفظ حدود و مقررات تعیین شده موظف بداند. رعایت این اصل، به ویژه در سپردن مسئولیت‌های مهم و کلیدی، اهمیت بسزایی دارد. در دیدگاه اسلام، چون هدایت مردم اصل و اساس است، خداوند بهترین انسان را برای این امر برگزید. گزینش بهترین انسان‌ها برای پیامبری و هدایت بشر، وعده بر این که صالحان وارث نهایی زمین هستند^{۵۳} و کلمات معصومان^{۵۴}، بهترین دلیل برای اثبات این مطلب است که شایسته‌سالاری، یکی از استراتژی‌های کلی در حکومت مهدوی به شمار می‌آید. ویژگی‌هایی که درباره یاران حضرت مهدی 4 نقل شده، به خوبی اثبات‌کننده این مدعاست.^{۵۵} بنابراین، دولت پرچم‌دار زمینه‌سازی حکومت حضرت مهدی 4، باید خود در ارزیابی و استخدام نیروها، از معیارهای کارکنان حکومت مهدوی الهام گیرد.

- تربیت‌مهوری

همه آیاتی که در قرآن کریم درباره بعثت انبیا مطرح شده، تعبیر (يُرَكِّبُهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ) دارد؛ یعنی انسان‌سازی و تربیت انسان، از اصلی‌ترین اهداف بعثت انبیا به شمار می‌آید. بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام، حکومت بهترین وسیله برای رسیدن به این هدف مهم محسوب می‌گردد. از واقعیت‌های تردیدناپذیر، این است که انسان در همه ابعاد، قابلیت تربیت و سازندگی دارد و هنگامی که برنامه‌های تربیتی بر اساس ارزش‌های والای اخلاقی و انسانی تنظیم گردد، بشر راه اعتدال و درستی را خواهد گزید و در راه و روش شایسته و ستوده‌ای گام خواهد نهاد. اما اگر برنامه‌ها و عوامل تربیتی، فاسد و ناصالح باشد، بی‌تردید نتیجه معکوس خواهد داد و انسان به سوی تباهی خواهد رفت.

کانون خانه و خانواده که کودک در آن دیده بر جهان می‌گشاید یکی از عوامل تربیتی است که در جهت‌دهی به کودک، نقش بسیار مهمی دارد. پس از خانه، نقش مدرسه مهم است که کودک با ورود بدان‌جا، مراحل نخستین دانش و فرهنگ را از طریق آموزگاران دریافت می‌دارد و هر چه مراحل مختلف علمی را طی می‌کند، سطح مطالعه و فرهنگ و آگاهی‌های او بالا می‌رود تا

سرانجام، به عالی‌ترین مراحل و مدارج علمی و فکری می‌رسد. نقش محیط و جامعه نیز اهمیت دارد. کودکی که در جامعه‌ای مملو از دروغ و شائبه و بی‌بندباری رشد کند، تربیت ناشایست و نادرست می‌پذیرد. اما کودکی که در جامعه دین‌باور و امانت‌دار و سرشار از حیا و درست‌کاری تربیت شود، فردی شایسته خواهد بود.

هم‌چنین رسانه‌های گروهی و دستگاه‌های تبلیغاتی جامعه هم‌چون روزنامه‌ها و مجلات، رادیو و تلویزیون اهمیت دارند. امام مهدی 4 که در اندیشه اصلاح جامعه جهانی است و می‌خواهد جامعه‌ای اسلامی پی‌ریزی نماید و آن را به ارزش‌های والای انسانی و قرآنی آراسته سازد، در این راه باید از وسایل و عوامل تربیتی بهره‌گیرد و آموزش‌های تربیتی صحیح و سازنده خویش را به وسیله این وسایل و تجهیزات به مردم برساند. از این رو، فرهنگ و تعلیم انسان‌ساز اسلام، مدارس و آموزشگاه‌ها را اداره و رهبری می‌کند و راه‌های تعلیم و تربیت در همه مراحل از شیوه‌ها و برنامه‌های اسلامی بهره‌مند می‌گردد و وسایل ارتباط جمعی به طور کامل، شایسته و ثمربخش می‌شوند و از چارچوب مقررات و ارزش‌های اسلامی تجاوز نمی‌کنند.^{۵۶} حضرت علی 7 می‌فرماید:

مهدی 4 هواهای نفسانی را به هدایت باز خواهد آورد، آن‌گاه که هدایت را به هواپرستی بفروشند و آرا و نظرها را بر قرآن منطبق سازد، چون قرآن را بر مدار آرای خویش بازخوانند.^{۵۷}

بنابراین، دولت زمینه‌ساز نیز باید با دیدی تیزبینانه، برای همه نهادهایی که به نحوی در مسئله تربیت نقش دارند، برنامه و هدف تعیین شده داشته باشد.

ب) ارتقای بصیرت دینی و پای‌بندی اخلاقی جامعه

طبق روایات بسیار در وصف آخرالزمان و عصر غیبت کبرا، فتنه‌هایی گمراه‌کننده به وقوع می‌پیوندند که بصیرت و فهم عالمانه دین، یکی از راه‌های اصلی نجات و پیروی از مسیر اهل بیت : است.

امام صادق 7 در تفسیر آیه شریفه (إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَّوِّسِّمِينَ)^{۵۸}، می‌فرماید:

کافی انظر الى القائم واصحابه في نجف الكوفة كان على رؤسهم الطير، قدفنت ازوادهم و خلقت ثيابهم، قد اثر السجود بجباههم، ليوث بالنهار، رهبان بالليل، كان قلوبهم زير الحديد، يعطي الرجل منهم قوة اربعين رجلا، لاتقتل احدا منهم الا كافر او منافق و قد وصفهم الله تعالى بالتوسم في كتابه العزيز بقوله: (إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَّوِّسِّمِينَ)^{۵۹}؛

گویا قائم و یاران او را می‌بینم که در نجف (کوفه) اجتماع کرده و پرندگانی بر سر آنها پرواز می‌کنند. توشه‌های آنها کاستی گرفته، جامه‌های آنها کهنه شده و نشان سجده بر پیشانی آنها نقش بسته است. آنها شیران روز و زاهدان شب‌اند. دل‌هایشان مانند پاره‌های آهن [محکم و استوار] است و هر کدام از آنها، توان

کودکی که در جامعه‌ای مملو از دروغ و شائبه و بی‌بندباری رشد کند، تربیت ناشایست و نادرست می‌پذیرد. اما کودکی که در جامعه دین‌باور و امانت‌دار و سرشار از حیا و درست‌کاری تربیت شود، فردی شایسته خواهد بود

چهل مرد را دارا هستند. هیچ یک از آنها کشته نمی‌شود مگر به دست کافر یا منافق. خداوند تعالی در کتاب عزیز خود از آنها با عنوان اهل بصیرت و تیزبینی یاد کرده است، آن‌جا که می‌فرماید: در این (عذاب) برای اهل بصیرت نشانه‌هایی نهفته است.

امام عسکری ۷ خطاب به احمد بن اسحاق می‌فرماید:

... والله لیغیبن غیبه لا ینجو من الهلکة فیها الا من ثبته الله عزّ وجلّ علی القول بامامته ووفقه فیها للدعاء بتعجیل فرجه؛^{۶۰}

... سوگند به خدا! [فرزندم] دارای غیبتی خواهد بود که هیچ کس در آن دوران، از هلاکت و نابودی رهایی نمی‌یابد، مگر آن‌که خداوند، او را بر اعتقاد به امامت وی استوار سازد و بر دعا برای تعجیل ظهور آن حضرت، توفیقش بخشد.

هم‌چنین روایات فراوانی که به تفقه در دین سفارش می‌کنند، بر این مطلب گواهی می‌دهد. در این باره، لازم است دولت زمینه‌ساز، به دو نکته کلیدی توجه ویژه نماید:

۱. تعمیق معرفت دینی، پشتوانه خوبی در عرصه مهدویت (یکی از گزاره‌های اصیل دینی) است؛

۲. جامعه‌ای صالح است که می‌تواند زمینه و پذیرای مصلح کل باشد.

رفع موانع گرایش به حکومت مهدوی

همان گونه که برای جذب قلوب مردم باید به مؤلفه‌هایی توجه نمود، موانعی در مسیر گرایش دل‌های مردم وجود دارد که باید برای رفع آنها چاره‌اندیشی کرد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. پاسخ‌گویی به شبهات مهدوی

سخن امیرمؤمنان ۷ در مورد معنای شبهه، در زمینه فهم معنای آن، به خوبی ره‌گشاست:

جایی شبهه را شبهه می‌خوانند که از آمیختن حق و باطل (یا به تعبیر ما روکش شدن حق برای باطل) جان می‌گیرد و همین آمیختگی است که رهن فکر بسیاری گردیده و می‌گردد.^{۶۱}

از این کلام، به خوبی پیداست که تنها اولیای الهی به علت یقین از گرفتار شدن در دام شبهات، مصون و محفوظند. لذا ضروری است در حوزه معارف مهدوی، برای مصون ماندن از شبهات، دولت زمینه‌ساز اقداماتی انجام دهد. به برخی از این راه‌کارها در قسمت راه‌بردها اشاره خواهد شد.

۲. خرافات‌زدایی از باورهای مهدوی

امام علی ۷ می‌فرماید:

فیریکم کیف عدل السیره ویحی الکتاب والسنة؛^{۶۲}

حضرت مهدی شیوه عدالت را به شما نشان می‌دهد و احکام از بین رفته کتاب و سنت را زنده می‌کند.

ادیان الهی همیشه پس از طی دوران مشخصی، بازیچه و ملعبه قرار گرفته است. مفسرانی بوده‌اند که دین را در خدمت دنیا، به کار گرفته‌اند که ارسال پیامبران نیز به همین جهت بود تا راه صحیح و اصیل پیامبران گذشته را باز نموده، آن را از لوث خرافات و تحریفات پاک کنند. هرچه ادیان الهی پیش‌رفته‌تر می‌شدند، تحریفات و توجیهاات نیز هم‌گام با آنها پیچیده‌تر می‌گشت، ولی کار امام مهدی ۴ در این بعد، از تمام پیامبران و امامان گذشته مشکل‌تر است؛ زیرا ایشان بار «پاک‌سازی» و «بدعت‌زدایی» اسلام را نیز در اذهان مردم که به عنوان حقایق نقش بسته، باید تعیین کند و بار دیگر، مردم غفلت‌زده را به راه اصیل دین، قرآن و عترت پیامبر برگرداند و عترت این باره بدون هیچ‌گونه تقیه، به تفسیر قرآن می‌نشیند.^{۶۳}

امروزه به دلیل توجه روزافزون مردم به دین و مذهب در جهان، جماعتی هم برای سوءاستفاده از برخی ساده‌لوحان و سرکیسه کردن آنها، از هر فرصت و بهانه‌ای استفاده می‌کنند. صفحه حوادث روزنامه‌ها و مجلات گوناگون، پر از شیادی‌هایی است که به اسم دین صورت می‌پذیرد. در این میان، گرایش روزافزون به مباحث مهدویت، باعث شده که بازار مکاران این عرصه نیز داغ گردد. مدعیان دروغین با ادعاهایی نظیر ارتباط با عوالم غیب و ملکوت، ادعای مهدویت و تعیین تاریخ ظهور، ادعای داشتن شعور کیهانی، ادعای مشاهده یا ارتباط با ائمه و غیره، یکی پس از دیگری، بساط خرافات را در باورهای مهدوی پهن کرده‌اند و با نشان کردن افراد ساده‌لوح، تفسیر به رأی‌های فراوان، گفتن

دروغ‌های بزرگ، صدور فتوا، و ده‌ها روش دیگر، سعی دارند در بین مردم نفوذ کنند. در این میان، متولیان فرهنگی دولت زمینه‌ساز، باید در تعمیق باورهای مهدوی بکوشند؛ زیرا طبق فرموده معصومان: «هیچ بدعتی در دین ایجاد نمی‌شود مگر آن‌که سنتی ترک گردد»؛^{۶۴} همچنین نهادهای اطلاعاتی و نظامی باید امر جمع کردن بساط شبهه‌پراکنان و مدعیان را قبل از نفوذ میان قشرهای آسیب‌پذیر، مخصوصاً جوانان و نوجوانان تسریع بخشند و همانند عمل کرد امام عصر 4 در حکومت مهدوی، راه ورود بدعت‌های نوظهور را سد نمایند.

۳. نظارت بر مجامع و محصولات مهدوی

تبيين عقاید حقه اسلامی و شناساندن جای‌گاه و منزلت امام منتظر و پژوهش‌های نو و کاربردی در این زمینه، بسیار مهم است و در فضای بحران‌خیز جهان کنونی، به‌کارگیری زبان و دانش روز در این مسیر نقش به‌سزایی دارد. در این میان، مجامع و تشکل‌های گوناگون مهدوی شکل گرفته‌اند که هر کدام به سهم خود و با توجه به توسعه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، با استفاده از این ابزارهای کارآمد، به احیای فرهنگ مهدویت و انتظار برآمده‌اند. در این زمینه، کارهای شایسته‌ای انجام شده که به شیوه‌های گوناگون به عرضه مطالبی ارزش‌مند درباره امام عصر و ارایه پاسخ‌های مناسب به شبهات و پرسش‌های موجود پرداخته و طریق تشنگان کوی انتظار را هموار ساخته‌اند. اما در این بین، لازم است که دولت زمینه‌ساز، با نظارت صحیح و عالمانه به فعالیت‌های این مؤسسات و محافل، ابتدا به تعمیق فعالیت‌ها و به روزآوری محصولات آنان کمک کند و سپس از موازی‌کاری و انجام دادن فعالیت‌ها و تولید محصولات تکراری جلوگیری نماید. برخی از راه‌کارهای این امر مهم ذکر خواهد شد.

۴. مبارزه با ترویج فرهنگ ضددین

دین پایه، بنیان و خاستگاه مهدویت است؛ لذا ترویج فرهنگ ضددین، به سست شدن بنیادهای مهدویت می‌انجامد و در نتیجه این تشکیک، جامعه با بحران فرهنگی و اعتقادی روبه‌رو خواهد شد.

همان‌گونه که مبارزه با فرهنگ ضددین و ابهام‌زدایی از چهره دین حنیف، یکی از برنامه‌های حکومت موعود است،^{۶۵} دولت زمینه‌ساز نیز باید در مسیر سالم‌سازی فرهنگی و پیرایش فرهنگ دین از بدعت‌ها و انحرافات، و پاسخ‌گویی به شبهات، کوشا باشد.

تربیت و مدیریت نیروهای زمینه‌ساز

توسعه منابع و تقویت نیروی انسانی مجرب و مدیران کارآمد برای حرکت جامعه و دولت در فرآیند اسلامی شدن، در مباحث مدیریتی امروز، اهمیت بالایی دارد. البته بیان این نکته ضروری است که منظور از نیروسازی، این نیست که نیرویی برای در اختیار گرفتن پست و منصب آماده شود، بلکه نیروسازی و نهضتی از رشد نیروی انسانی

همان‌گونه که مبارزه با فرهنگ ضددین و ابهام‌زدایی از چهره دین حنیف، یکی از برنامه‌های حکومت موعود است،^{۶۵} دولت زمینه‌ساز نیز باید در مسیر سالم‌سازی فرهنگی و پیرایش فرهنگ دین از بدعت‌ها و انحرافات، و پاسخ‌گویی به شبهات، کوشا باشد

به وسعت و در چشم‌انداز یک قطعه تاریخی مورد نظر است که به تولید قدرت برای مهدی‌باوری بینجامد. برای این امر، نکات کلیدی ذیل مهم است:

۱. شناسایی، جذب و تربیت نیروهای مستعد مهدی‌یاور

باید افراد هدایت‌پذیر و دارای استعداد کمال را پرورش داد و به کمال رسانید. امام باقر ۷ درباره حضرت مهدی ۴ می‌فرماید:

اذا قام قائمنا وضع یدہ علی رؤوس العباد فجمع به عقولهم و کمل به احلامهم؛^{۶۶}
چون قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌گذارد و عقول آنها را متمرکز ساخته، فکرهايشان را به کمال می‌رساند.

نکته دیگری که از این حدیث استفاده می‌شود، این است که مردم باید خود اقدام نمایند و شروع به تحصیل کمال کنند و دولت‌مردان وظیفه دارند تا نواقص را جبران نمایند. دولتی که آرمان زمینه‌سازی و یاری موعود را دارد، باید به خوبی بداند که چنین حکومتی، به کادر مؤمن، معتقد و کارآمد نیاز دارد.

۲. تجمیع و سازمان‌دهی افراد و گروه‌های زمینه‌ساز مهدوی

یکی از فواید مهم سازمان‌دهی نیروهای زمینه‌ساز، علاوه بر جلوگیری از به هدر رفتن نیروها و موازی‌کاری، مقابله با جبهه سازمان‌دهی شده دشمنان مهدویت است. در مسیر مقابله با صفوف منظم و اتحاد جبهه کفر، مبارزه انفرادی حتی اگر در اوج خود باشد، بی‌شک نتیجه‌ای جز شکست ندارد. اما اگر همین افراد و گروه‌های کوچک به هم بپیوندند، کارهای بزرگی را می‌توانند انجام دهند و ضربات مهلکی به دشمن وارد آرند؛ آن‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید:

اگر از شما بیست تن باشند و در جنگ پایداری کنند، بر دویست تن غلبه خواهند یافت.^{۶۷}

حمایت مادی و معنوی از فرهنگ زمینه‌سازی

بی‌شک همه راه‌کارهایی که در زمینه گسترش فرهنگ مهدویت وجود دارد، مانند همه عرصه‌های مهم دینی، به حمایت

مادی و معنوی دولت زمینه‌ساز نیاز دارد. این حمایت‌ها، همراه با نظارت دقیق، همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، در تعمیق و گسترش اندیشه مهدویت در سطوح مختلف، و جلوگیری از به انحراف کشیده شدن آن، کمک شایانی می‌کند. در ادامه، به برخی از عناوین مهمی اشاره می‌شود که در عرصه مهدویت، به حمایت همه‌جانبه نیاز دارند:

۱. اختصاص بودجه ویژه برای مباحث مهدوی؛

۲. تشویق شایان فعالان فرهنگ مهدوی؛

۳. تهیه نیازمندی‌های آموزشی، پژوهشی و تبلیغی مهدوی؛

۴. حمایت امنیتی از زمینه‌سازان.

راهبردهای دولت زمینه‌ساز

پس از تبیین رسالت‌ها و خطوط کلی دولتی که هدف زمینه‌سازی برای ظهور مهدی موعود را پی‌گیری می‌کند، شایسته است وظایفی که باید در حوزه عمل و با توجه به رسالت‌ها عملیاتی شود، ذکر گردد و در مورد هر یک، توضیحاتی هرچند مختصر داده شود. آن‌چه در این زمینه مهم می‌نماید، در نظر گرفتن شرایط و فضایی است که ظرف تحقق راهبردها به شمار می‌آید. بدین جهت، با توجه به محدوده جغرافیایی اعمال نفوذ دولت، بایسته است که حوزه عملیاتی دولت، به دو منطقه داخل و خارج کشور، تقسیم گردد و راهبردهایی متناسب با آن مناطق، در دستور کار قرار گیرد.

راهبردهای ویژه داخلی

همان‌طور که بیان شد، با تقسیم حوزه فعالیت‌های دولت زمینه‌ساز به داخل و خارج کشور و میزان قدرت نفوذ و اجرای مقاصد، هدف‌هایی کاربردی را باید تعیین کرد و از حداکثر نیروی حکومت، برای رسیدن به این مقاصد بهره برد که الهام گرفته از رسالت‌های از پیش تعیین شده است.

در این‌جا، تعدادی از کارویژه‌هایی را برمی‌شمیریم که دولت می‌تواند با استفاده از ظرفیت‌های خویش به آنها اقدام نماید، به امید این‌که دولت زمینه‌ساز، با پشتوانه عزم و همت بلند خویش، برای به جلو انداختن امر فرج و ظهور امام زمان ۴، اجرای کامل این امور را در نظر گیرد:

۱. گزینش کارگزاران با معیار مهدی باوری

کارگزاران و کارمندان هر دولتی، بازوان اجرایی آن دولت هستند که به خواسته‌هایش جامه عمل می‌پوشانند. دولتی که هدف اصلی و آرمان و شعار خویش را زمینه‌سازی برای حکومت عدل جهانی مهدوی قرار داده است، باید در انتخاب و گزینش کادر خود، کسانی را در نظر گیرد که به آماده‌سازی برای قیام حضرت مهدی 4 معتقد و امیدوار باشند؛ یعنی کسانی که پشتوانه معرفتی صحیحی درباره معارف مهدوی دارند و عمیقاً به وعده الهی و نیز اختیاری بودن ظهور معتقد هستند. قطعاً هرچه به سطوح بالای مدیریتی نزدیک‌تر شویم، وجود چنین افراد مهدی باوری در سیستم اداری دولت زمینه‌ساز، ضروری‌تر به نظر می‌رسد.

مدیر مهدی باور که آرزویش مهدوی باوری و خدمت صادقانه به حضرت ولی عصر است، از هیچ‌گونه تلاشی برای تحقق این هدف فروگذار نخواهد نمود؛ چنین مدیر منتظری در گزینش معاونان و کارمندان زیرمجموعه خود، در تدوین قوانین درون‌سازمانی و در ارایه پیشنهادهای کلان به مدیر سطوح بالا، سیاست «یک گام برای نزدیک شدن ظهور» را دنبال خواهد نمود.

رئیس دولت زمینه‌ساز باید بداند که در حکومت جهانی حضرت مهدی نیز 4، فراهم نمودن چنین نیروی انسانی مخلص و عقیده‌مند به ایشان، جزء بایسته‌های قیام و تشکیل حکومت وی خواهد بود. امام هادی 7 می‌فرماید:

فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّةُ مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ أَظْهَرَ اللَّهُ أَمْرَهُ (القائم).^{۶۸}

پس چگونه دولتی که خود را دنباله‌رو و مهیاکننده چنان حکومتی می‌داند، از این مهم چشم‌پوشی می‌کند؟ بنابراین، دولت زمینه‌ساز باید علاوه بر شرایط عمومی یک دولت‌مرد شایسته که در قبل بیان شد، با استفاده از شاخصه‌های یک کارگزار منتظر، کادر خود را انتخاب نماید؛ برخی از این شاخصه‌ها عبارتند از:

الف) معرفت عمیق به خدا

امام علی 7 در وصف یاران منجی عالم بشریت می‌فرماید:

رِجَالٌ مُّؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَ هُمْ أَنْصَارُ الْمُهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ.^{۶۹}

بنابراین، معرفت حقیقی و قلبی به خدا که به دنبال آن اطاعت از اوامر الهی را نیز در پی دارد، از شرایط سربازان زمینه‌ساز او خواهد بود؛ مردانی که در این معرفت ثابت هستند و چیزی از باورهای ایشان نخواهد کاست. امام صادق 7 می‌فرماید:

رِجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ... بِهِمْ يَنْصُرُ اللَّهُ إِمَامَ الْحَقِّ.^{۷۰}

ب) معرفت و اطاعت از امام مهدی 4

یکی دیگر از شاخصه‌های مهم نصرت‌دهندگان حضرت ولی عصر 4، معرفت سرشار ایشان است که با آگاهی از حقیقت مقام امامت ایشان سرچشمه گرفته و به همین

دولتی که هدف اصلی و آرمان و شعار خویش را زمینه‌سازی برای حکومت عدل جهانی مهدوی قرار داده است، باید در انتخاب و گزینش کادر خود، کسانی را در نظر گیرد که به آماده‌سازی برای قیام حضرت مهدی 4 معتقد و امیدوار باشند



جهت، افتخار سربازی آن وجود نازنین را نصیبشان کرده است. امام باقر 7 می‌فرماید:

مَنْ مَاتَ وَهُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ قَائِمٌ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ.^{۷۱}

به پشتوانه این شناخت عمیق، همه آنها سرتاپا مطیع اوامر ولی‌امر خویش هستند و به فرمایش امام صادق 7:

يَكْفُونَهُ مَا يَرِيدُ... هُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنَ الْأُمَّةِ لِسَيِّدِهَا... بِهِمْ يَنْصُرُ اللَّهُ إِمَامَ الْحَقِّ.^{۷۲}

به راستی که ایشان به امام می‌بالند و امام نیز به وجود چنین یارانی فخر می‌فروشد.

ج) شوق انتظار مهدی موعود

از جمله ویژگی‌هایی که باید در انتخاب کارگزاران دولت زمینه‌ساز حکومت حضرت مهدی 4 لحاظ شود، اشتیاق و صف‌ناپذیر و لحظه‌شماری ایشان به ظهور امام زمان 4 و دیدار ایشان است؛ گویی این کلمات را هر روز زمزمه می‌کنند:

مَتَى تَرَانَا [وَأَنرَاكَ وَقَدْ نَشَرْتَ لَوَاءَ النَّصْرِ تُرَى أَتَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَ أَنْتَ تَوْمُ الْمَلَأُ وَقَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ أَدَقَّتْ أَعْدَاءُكَ هَوَانًا وَ عِقَابًا].^{۷۳}

د) اراده مصمم بر زمینه‌سازی ظهور امام

بی‌شک، منتظر حضرت مهدی 4 فقط به حرف بسنده نمی‌کند و خود را با دعای فرج تسکین نمی‌دهد؛ زیرا به عیان می‌داند که دعا، پشتوانه عمل است و تا تلاشی در حد توان و در جهت رسیدن به مقصود صورت نگیرد، رسیدن به خواسته درونی ناممکن خواهد بود. از این جهت، با عزمی مصمم، از تمام امکانات خویش برای زمینه‌سازی ظهور بهره می‌گیرد و این‌گونه به سخن «افضل الاعمال امتی انتظار الفرج»، تفسیری صحیح ارائه می‌دهد.

ه) مجاهدت تا سرمد شهادت

منتظران و شیفتگان خدمت‌گزاری به حضرت مهدی 4 کسانی هستند که بینش واقع‌بینانه‌ای به جهان هستی و مسئله مرگ و زندگی دارند و مرگ را تنها پلی به سوی آخرت می‌شمرند.

در نگاه ایشان، شهادت در راه خدا بهترین مرگی است که زندگی‌ساز بوده، نیل به درجات رفیع را موجب می‌شود. به‌راستی چه زیبا امام صادق 7 در ترسیم این بصیرت عالی یاران حضرت مهدی 4 می‌فرماید:

يَدْعُونَ بِالشَّهَادَةِ وَ يَتَمَنُونَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ... بِهِمْ يَنْصُرُ اللَّهُ إِمَامَ الْحَقِّ.^{۷۴}

چنین بینش عمیق و بصیرت فوق‌العاده‌ای، ایشان را به تکاپو می‌اندازد؛ به گونه‌ای که به فرمایش امام صادق 7:

لَا يَكْفُونَ سَيُوفَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.^{۷۵}

۲. تدوین قوانین کشوری با روی کرد زمینه‌سازی

مردم هر سرزمینی، آرمان‌ها و آرزوهایی ملی دارند که باید برای رسیدن به آنها، برنامه‌ریزی کنند و قوانین متناسب با آن را تصویب نمایند و سپس به اجرا درآورند. حکومت که تجلی اراده ملی هر کشوری است، وظیفه برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری دقیق برای رسیدن به آرمان ملی و به تبع آن، اجرای درست قوانین مصوب را بر عهده دارد.

دولتی که برخاسته از ملت منتظر حضرت مهدی 4 است، برای زمینه‌سازی ظهور و حکومت ایشان، باید در تمام قوانین فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و سیاسی، چنین روی‌کردی را در نظر گیرد، به طوری که در چنین پازل قوانین کشوری، تصویر زمینه‌سازی برای ظهور رخ بنمایاند.

حکومت زمینه‌ساز نمی‌تواند در مقام شعار به زمینه‌سازی ظهور، فریاد بلند کند، اما در سیاست‌های کلان و جهت‌گیری‌های خویش به آن پای‌بند نباشد و آن‌قدر خود را صرف مسائل روزمره و رفع مشکلات داخلی کند که از آرمان و شعار خویش، اثری به چشم نخورد و یا این‌که دست‌کم این روی‌کرد، ملاحظه‌شدنی نباشد.

اگر زمینه‌سازی برای حکومت جهانی حضرت مهدی 4 نیازمند یک کار سازمانی گسترده با تهیه برنامه‌ها و قوانین مطابق با آن است، باید فضای فکری تهیه‌کنندگان قوانین، فضای تمهید برای تعجیل در ظهور باشد. البته این کار، مستلزم معرفت صحیح و باور عمیق و انتظار پویا به موضوع حکومت عدل مهدوی است.

۳. تأسیس مرکز استراتژیک مهدویت برای نظارت بر تحقق آرمان زمینه‌سازی

ایجاد آمادگی ذهنی و معرفتی در میان توده‌های مردم، یکی از ارکان مهم زمینه‌سازی برای قیام جهانی مهدی موعود به شمار می‌آید. پرواضح است که در میان انبوه تبلیغاتی که در موضوعات مختلف ذهن مردم را به خود مشغول نموده، نشر معارف مهدوی و تبیین مزایای منحصر به فرد حکومت جهانی ایشان، باید به دقت و شدت پی‌گیری شود تا بتواند تأثیر زیادی در میان مردم و گرایش قلوب آنها داشته باشد.

چنین آرمان بلندی، جز با تهیه نقشه مهندسی کلان برای فراگیر شدن اندیشه مهدوی در سطح حکومت و رسالت‌های آن، بسیج و هم‌آهنگی همه نهادها و به‌ویژه سازمان‌هایی که مسئولیت فرهنگی کشور را برعهده دارند، نظارت بر صحت حرکت همه نهادها و عدم انحراف آنها از اهداف تعیین شده، حاصل نخواهد شد؛ هم‌چنان که دوری از موازی‌کاری نهادها و آسیب‌شناسی مهدویت در سطح حکومت و جامعه و دفع موانع پیش‌روی آن نیز حتماً باید لحاظ گردد.

همه موارد ذکر شده، لزوم تأسیس مرکزی استراتژیک را که متولی این امور باشد اجتناب‌ناپذیر نموده، ضریب تحقق آرمان بلند زمینه‌سازی را افزایش خواهد داد.

۴. توسعه ارتباط معنوی و معرفتی با امام مهدی 4 با استفاده از رسانه‌ها

امروزه رسانه‌های جمعی چون: رادیو، تلویزیون، اینترنت و ابزارهای دیگر، به صورت انبوه در میان جامعه، گسترش یافته و تأثیر چشم‌گیری بر روح و ذهن افراد از خود نشان می‌دهد؛ به طوری که استفاده از این وسایل، ابزاری بسیار مهم در جهت خواسته‌های استکبار جهانی محسوب می‌شود.

بهره‌گیری از این موقعیت رسانه‌ها، می‌تواند در جلب قلوب و پیوند عاطفی و معرفتی مردم با وجود نازنین امام مهدی 4 تأثیر فوق‌العاده‌ای داشته باشد و حضور معنوی ایشان را به عنوان رفیقی شفیق، در لحظه لحظه زندگی مردم نهادینه نماید و با تبیین جای‌گاه بی‌نظیر امام در سرنوشت و سعادت انسان، شوق ظهور و دیدار با ایشان را در دل‌ها برویاند.

پخش مباحث معرفتی، دعا‌های مربوط به ایشان، اشعار مهدوی با صداهای گرم و موارد دیگری از این قبیل که با قالبی دل‌نواز و هنرمندانه توسط رسانه‌ها انجام می‌شود، خود می‌تواند به روند آمادگی عمومی سرعت بخشد.

۵. تهیه متون درسی مهدوی از دبستان تا دانشگاه

برای تربیت نسلی که به آرمان‌های مهدوی اعتقاد دارند و به ظهور امام زمان 4 امیدوار هستند و قرار است که زمینه‌ساز حکومت وی باشند، امر تعلیم معارف مهدوی در سیستم آموزشی کشور باید جدی گرفته شود؛ زیرا به موجب فرمایش امیرالمؤمنین که: «العلم مع الصغر كالنقش فی الحجر»^{۷۶} تعلیم در نوجوانی مثل نقش در حجر است، نفوذ معارف مهدوی در دل‌ها و ذهن‌ها بسیار بهتر و ماندگارتر خواهد بود. بدیهی است که

ایجاد آمادگی ذهنی و معرفتی در میان توده‌های مردم، یکی از ارکان مهم زمینه‌سازی برای قیام جهانی مهدی موعود به شمار می‌آید



تعلیم این معارف بلند که در سرنوشت شخص متعلم و بلکه جامعه جهانی نقش تمام را دارد، کم‌ارج‌تر از علوم رایج در مدارس نیست؛ لذا بر عهده دولت اسلامی و زمینه‌ساز است که در بعد آموزشی کشور، از دبستان تا دانشگاه، با استفاده از متخصصان مباحث مهدوی و با در نظر گرفتن شرایط سنی و فهم مخاطبان، متونی را تهیه کنند و جزء مواد رسمی دروس مراکز آموزشی قرار دهند.

۶. تشکیل کرسی‌های تخصصی مهدویت

علاوه بر این که باید معارف مهدوی در مراکز آموزشی و رسانه‌های جمعی به همگان تعلیم داده شود، لازم است که کرسی‌هایی تخصصی در این زمینه شکل گیرد و راجع به ریزموضوعات معارف مهدوی، نظریه‌پردازی شود و صاحبان ایده‌های ابتکاری و نو و متفکران این عرصه، بتوانند محصولات جدید فکری خود را قبل از انتشار عمومی، عرضه کنند تا نقد و بررسی شود. بدیهی است چنین سازوکاری، نه تنها به شادابی همیشگی معارف مهدوی کمک خواهد کرد، بلکه از نشر مباحث نادرست و انحرافی در عرصه مهدویت جلوگیری خواهد نمود.

۷. برگزاری جشن‌واره‌های مهدوی

امام صادق ۷ می‌فرماید:

تَجِبُ عَلَى السُّلْطَانِ لِلْخَاصَّةِ وَالْعَامَّةِ مُكَافَأَةُ الْمُحْسِنِ
بِالْإِحْسَانِ لِيَزْدَادُوا رَغْبَةً فِيهِ.^{۷۷}

وقتی دولت و مسئولان فرهنگی کشور، به موضوعی توجه می‌کنند، این امر توجه قشرهای جامعه را نیز به خود جلب می‌کند و انگیزه فعالیت‌های اجتماعی حول موضوع را مضاعف می‌نماید. برگزاری جشن‌واره‌هایی در زمینه مهدویت که با ارایه محصولات و معرفی و تشویق شایسته تلاش‌گران این زمینه خواهد بود، می‌تواند به این هدف بلند کمک کند و در ترویج مباحث و فرهنگ مهدوی در سطح جامعه به صورت چشم‌گیری اثر گذارد.

۸. تقویت و تجهیز پادگان‌های نظامی به نیروها و سلاح‌های کارآمد

در طول تاریخ همیشه زورمندان و باطل‌گرایانی در مقابل حق‌طلبان بوده‌اند که از شناخت و تبعیت حقیقت و عدالت در

میان جامعه هراس داشته‌اند، زیرا این امر با سودجویی ایشان در تضاد بوده است؛ آنها پیوسته کوشیده‌اند تا مردم را در جهالت نگه دارند و گرفتاری و فلاکت ایشان را خواست خدا معرفی نمایند. در این میان، آزادمردانی کمر همت بسته و در بسط شناخت و ایجاد عدالت‌خواهی در قلوب مردم، از هیچ کوششی فروگذار ننموده‌اند که البته این کار برای طبقه مستکبر گران آمده و با شیوه‌های تطمیع و تهدید، سعی نموده‌اند تا این جنبش مبارک را با از بین بردن مروّجان آن، محو سازند.

در زمان ظهور حضرت مهدی ۴ نیز همین روش دنبال می‌شود و جهان‌خواران عالم، با آگاه شدن از ظهور ایشان، تصمیم به نابودی آن حضرت می‌گیرند و با گسیل کردن لشکر، سعی می‌کنند برای همیشه این تهدید را از بین ببرند که البته به خواست خدا و با یاری او و مؤمنان حقیقی، صفحه نبرد تاریخی حق و باطل به نفع حق‌طلبان برمی‌گردد و باطل برای همیشه محو می‌شود. امام باقر ۷ می‌فرماید:

يَبْعَثُ السَّفِيَانِي بَعْثًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَنْفِرُ الْمَهْدِي مِنْهَا إِلَى
مَكَّةَ فَيَبْلُغُ أَمِيرَ جَيْشِ السَّفِيَانِي أَنَّ الْمَهْدِيَّ قَدْ خَرَجَ إِلَى
مَكَّةَ فَيَبْعَثُ جَيْشًا عَلَى أَثَرِهِ فَلَا يَدْرِكُهُ حَتَّى يَدْخُلَ مَكَّةَ
خَائِفًا يَتَرَقَّبُ عَلَى سُنَّةِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ ۷ قَالَ فَيَنْزِلُ
أَمِيرَ جَيْشِ السَّفِيَانِي الْبَيْدَاءَ فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَا
بَيْدَاءُ أَيْدِي الْقَوْمِ فَيُخَسَفُ بِهِمْ.^{۷۸}

با توجه به روش سازش‌ناپذیری مستکبران و مترفان، لازم است که علاوه بر نبرد در جبهه فرهنگی، برای غلبه موج آگاهی و عدالت‌طلبی بر سیاهی ظلم و جهالت، پشتوانه امنیتی از جبهه حق به وجود آید و با آمادگی کامل و قدرت بالای مقابله با جبهه دشمن، از خطر حمله آنها جلوگیری شود؛ این امر میسر نخواهد شد مگر این که دولت علاوه بر ایجاد پایگاه‌های نظامی، از توان جنگی دشمن باخبر گردد و نیروهای نظامی را هم‌سطح با امکانات دشمن آموزش دهد.

۹. ایجاد و حفظ هم‌دلی جامعه حول محور عهد با امام مهدی ۴

برای موفقیت دولت زمینه‌ساز ظهور در رسیدن به آرمان مقدسش، بی‌شک ایجاد هم‌سوایی و هم‌دلی در جامعه و تبدیل

آن به یک جامعه منتظر، به منزله پشتوانه‌ای محکم برای فعالیت‌های دولت، فوق‌العاده مهم خواهد بود. نشر معارف عمیق مهدوی، زمینه چنین امری را فراهم می‌کند. عهد و بیعت با امام زمان 4، به این هم‌دلی استحکام و رسمیت می‌دهد و در واقع نوعی التزام جمعی را ایجاد می‌کند.

وقتی آحاد جامعه در هر صبح‌گاه، معتقدانه دعا می‌کنند که «اللهم انی اجدد له فی صبیحة یومی هذا و ما عشت من ایامی عهداً و عقداً و بیعة له فی عنقی لا احول عنها و لا ازول ابدا»، از تجمع این پیمان‌های فردی، عهدی اجتماعی با آن حضرت به وجود خواهد آمد که خود عامل هم‌دلی و هم‌نوایی اجتماعی با دولت زمینه‌ساز خواهد بود. چنین دولتی باید برای رویدن تعهد اجتماعی، بذر معرفت امام را در دل‌ها کاشته، ضرورت بیعت با ایشان در هر صبح‌گاه را شرط خروج از زندگی جاهلان‌های بدانند که در باطن خود مرگ است و آن را با تبلیغات گسترده، نهادینه نماید؛ در این صورت، بذر کاشته شده در هر قلبی غنچه انتظار را می‌رویاند و حاصل میلیون‌ها غنچه انتظار، عطر دل‌انگیز تلاش و آمادگی و زمینه‌سازی برای حکومت موعود عدالت‌گستر جهانی است و این به همان مطلب ارزش‌مندی برمی‌گردد که وجود نازنین امام عصر 4 درباره‌اش می‌فرماید:

لو ان اشیاعنا - و فقههم الله لطاعته - علی اجتماع من القلوب فی الوفاء بالعهد علیهم لما تأخر عنهم الیمن بلقائنا؛^{۷۹}
اگر شیعیان - که خدا برای اطاعت خود توفیقشان دهد - در راه وفای به پیمانی که بر عهده دارند، هم‌دل و همراه می‌شدند، سعادت دیدار ما برای ایشان به تأخیر نمی‌افتاد.

۱۰. تدوین طرح شهرسازی با روی کرد انتظار

«اصولاً شهرها در طول تاریخ، به نام تمدن و فرهنگ خویش شناخته شده‌اند؛ مثل شهرهای بودایی، شهرهای هندو، شهرهای مسیحی، شهرهای اسلامی و امثالهم. همین امر، سبب شده تا بسیاری شهرها، هویتی جهانی یافته و مروج ارزش‌ها و اصول و مفاهیمی خاص باشند. لذاست که شهر مسلمین و شهر منتظران حضرت مهدی 4 نیز بایستی هویتی خاص خویش را داشته باشد و بدین‌وسیله، علاوه بر کسب هویتی جهانی برای خویش، بتواند مروج و نمایش‌گر ارزش‌هایی باشد که بر تفکر شیعی حاکم است. با این مقدمات، این موضوع که شهرها عامل معرفی یک تمدن هستند، باید مورد توجه جدی مسئولین امر قرار گرفته و برنامه‌ریزی برای ایجاد و رشد و توسعه و اصلاح (وضع موجود) شهرها، جهت دستیابی و ایجاد محیطی مناسب برای زندگی منتظران آغاز گردد؛ به نوعی که سیما و کالبد آن به عنوان عامل هویت امتی مسلمان و شیعه و منتظر و آماده ظهور حضرت مهدی 4 عمل نماید. شهرهایی که ضمن هویت اسلامی و شیعی و منتظر داشتن، به مدینه‌نشینان نیز هویت بخشیده و متذکر و هدایت‌گر آنان به سمت اصول اعتقادی و باورهایشان باشند».^{۸۰}

علاوه بر این‌که باید معارف مهدوی در مراکز آموزشی و رسانه‌های جمعی به همگان تعلیم داده شود، لازم است که کرسی‌هایی تخصصی در این زمینه شکل گیرد و راجع به ریزموضوعات معارف مهدوی، نظریه‌پردازی شود



«برای تدوین ضوابط و مقرراتی که بتوان توسط آنها «مدینه منتظران» را تجلی عینی بخشید، توصیه‌هایی مقدماتی تقدیم می‌گردد:

- ایجاد مرکز و مؤسسه‌ای با پشتوانه معنوی و مادی لازم به عنوان مرکز مطالعات معماری و شهرسازی اسلامی که بانی و متولی و هدایت‌گر تحقیقات لازم در زمینه تدوین ویژگی‌های مدینه منتظران و هم‌چنین تحقیق در چگونگی تجلی کالبدی بخشیدن به آنها باشد.

- هم‌کاری جدی حوزه و دانشگاه در جهت هم‌کاری در انجام تحقیقات مشترک در زمینه‌هایی هم‌چون: شناسایی ویژگی‌هایی که تعالیم اسلامی برای محیط زندگی انسان تعیین می‌نماید، تعریف ارتباط انسان با محیط طبیعی و محیط مصنوعی، تبیین نحوه استفاده از منابع و مواد موجود در طبیعت، تبیین نقش انسان در عالم هستی و رابطه انسان‌ها با یک‌دیگر، و سعی در یافتن پاسخ بسیاری سؤالات دیگر که جواب آنها کاملاً ناشناخته هستند و هم‌چنین هم‌کاری در چگونگی تجلی کالبدی بخشیدن به ارزش‌ها و اصول اسلامی و فرهنگی.

- شناسایی مراکز مشابه در جهان (اعم از ممالک اسلامی و غیراسلامی) و برقراری ارتباط علمی با آنان در جهت استفاده از منابع و تجارب در اختیار آنها».^{۸۱}

۱۱. ایجاد پایگاه‌های فرهنگی و تربیتی مهدوی

بی‌شک هر هدف کلانی، جز با داشتن مجموعه افرادی که دارای توانایی مقبولی در زمینه با هدف باشند، میسر نخواهد شد. این مطلب، لزوم پرورش نیروهای انسانی معتقد به مبانی مهدویت و مصمم به ایجاد زمینه‌های تحقق حکومت جهانی حضرت مهدی ۴ را دوچندان می‌کند.

توجه به این نکته ضروری است که تهیه نیروهای کارآمد مهدوی، آن هم در سطح وسیع که مقتضای گستره موضوع مهدویت و فراگیر بودن آن در تمام عالم است، علاوه بر داشتن برنامه مدون و مشخص، به پایگاه‌هایی نیاز دارد که از حیث کمی و کیفی، از پتانسیل بالایی برخوردار باشند و بتوانند بستر مناسبی برای اجرای برنامه‌های فرهنگی و تربیتی مهدوی باشند؛ چنان‌که با ملاحظه در روایات قیام حضرت مهدی ۴ نیز مرکزیت برخی از شهرها به عنوان پایگاه‌هایی برای تجمیع یاوران حضرت و حرکت منظم و

حساب‌شده ایشان بیان شده است. امام باقر ۷ می‌فرماید:

تَنْزُلُ الرَّايَاتُ السُّودُ الَّتِي تَخْرُجُ مِنْ خُرَّاسَانَ إِلَى الْكُوفَةِ
فَإِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِيُّ بُعِثَ إِلَيْهِ بِالْبَيْعَةِ.^{۸۲}

بنابراین، به‌جاست که دولت زمینه‌ساز ظهور، در مورد احداث پایگاه‌هایی ویژه به منظور کارهای فرهنگی و امور تربیت مهدوی، عنایتی کافی داشته باشد.

۱۲. تقویت و گسترش ابزار رسانه‌ای

در جهان امروز، بسترسازی و پذیرش عمومی برای عملی شدن اهداف سیاست‌مداران عالم، چه خوب و چه بد، به‌وسیله رسانه‌های جمعی سامان می‌یابد. هر دولتی قبل از اجرای برنامه‌های خود، ابتدا اذهان مردم را با موجی از تبلیغات مثبت در مورد ایده خویش، بمباران فکری و شناختی نموده، سپس آن را اجرا می‌کند.

بی‌تردید، برای عملی ساختن ایده عدل جهانی که توسط حضرت مهدی ۴ صورت می‌گیرد، آمادگی و توجیه اذهان عمومی و ایجاد رغبت ملی و جهانی، جزء اولویت‌های رده بالای دولت زمینه‌ساز است. این امر میسر نخواهد شد مگر این‌که سرمایه‌گذاری چشم‌گیری در تهیه ابزارهای رسانه‌ای مختلف در کشور، اعم از رادیو و تلویزیون، مجلات و غیره، با جهت‌دهی معارف و اهدافی صورت گیرد که تأمین‌کننده بخشی از پروسه عظیم زمینه‌سازی ظهور هستند.

دولت زمینه‌ساز باید بداند که در صورت توفیق نیافتن در جلب نظر عامه مردم، بی‌شک در رسیدن هدف والای خود دچار چالش خواهد گردید و نه‌تنها همراهی مردم را از دست خواهد داد، بلکه موانع و معضلاتی نیز گریبان‌گیرش خواهد شد.

۱۳. اعزام مبلغان و مربیان مهدوی‌باور به مناطق مختلف

شاید تصور شود که برای ترویج معارف مهدوی، کار رسانه‌ای کافی است، اما با توجه با دقیق بودن برخی از مباحث مهدوی و نیز شبهه‌افکنی دشمنان اندیشه مهدوی، لازم است که دانش‌وران متخصص مسائل مهدوی، با برنامه‌هایی منظم و حساب‌شده و با بررسی دغدغه‌های ذهنی افراد مختلف، به مناطق گوناگون اعزام شوند تا از نزدیک، با شنیدن شبهات ذهنی و پاسخ‌گویی مناسب، به نوعی آسیب‌زدایی نمایند.

به علاوه، می‌توان با اعزام مربیان مهدوی به آموزش محدود مربی در مناطق شبه‌خیز، همت گماشت تا پس از بازگشت این مربیان، افرادی آموزش دیده در خود آن مناطق حضوری مداوم داشته باشند و به مسائل رسیدگی کنند و مراتب را به مسؤلان مربوط گزارش دهند.

۱۴. تأسیس مراکز مهدی پژوهی

ایجاد شور و احساسات مردمی نسبت به حضرت مهدی 4 در جای خویش بسیار نیکوست، اما هر ایده‌ای که پشتوانه عمیق معرفتی مدون و سیستم تحقیق و پاسخ‌گو نداشته باشد، در مقابل سؤال‌های دقیق پرسش‌گران و حق‌طلبان از طرفی و هجمه و شبهه‌پراکنی دشمنان از سوی دیگر، ثبات و ادعای حق بودن خود را از دست خواهد داد. اهمیت این مطلب، ضرورت مراکز مهدی پژوهی را آشکار می‌سازد.

راه‌بردهای ویژه خارجی

تلاش‌های دولت زمینه‌ساز، با توجه به ظرفیت‌های داخل کشور بیان شد. در ادامه نیز راه‌کارهایی که با در نظر گرفتن شرایط خارج از کشور و در چارچوب رسالت‌های کلی، قابلیت اجرایی دارد، بیان می‌شود؛ البته با توجه به این که کشورها به دو دسته اسلامی و غیراسلامی با پتانسیل‌های خاص خویش، تقسیم می‌شوند، ابتدا راه‌بردهای عامی بیان می‌گردد که همه کشورها را دربر می‌گیرد و سپس راه‌کاری ویژه برای این دو دسته ارائه می‌شود.

الف) راه‌بردهای عام

آموزه مهدویت با توجه به ظرفیت معنایی خود که مدعی فراگیر شدن عدالت در تمام جهان است، باید در سطح دنیا نشر یابد و کارکرد شگرف آن به گوش همه جهانیان برسد تا در همگان، آمادگی ذهنی و اقبال قلبی برای پذیرش حکومتی که مجری آن است، فراهم گردد. لازمه تحقق این اندیشه، آن است که از تمام امکانات و ظرفیت‌های خارج از کشور، با اتخاذ روش‌های مناسب برای گسترش ایده مهدویت استفاده شود. در این زمینه توجه به موارد ذیل امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید:

۱. اعزام نیروهای متخصص مهدوی به مناطق مفتلف

یکی از روش‌های انتقال ایده مهدویت و مانع‌شونده از برداشت‌های درست، اعزام نیروهای متخصصی است که با آموزش‌هایی که از قبل دیده‌اند، توان انتقال مفاهیم مهدوی را به صورت روشن دارا باشند.

۲. تأسیس فانه فرهنگ مهدوی

وجود مرکزی در هر کشور که به امور مربوط به مسائل مهدوی و جمع‌آوری اطلاعات لازم درباره سطح معلومات، شبهات و حساسیت‌های منطقه، رسیدگی کند، در بسط معارف مهدوی تأثیر زیادی خواهد داشت. این مرکز، باعث می‌گردد تا مردم آن کشور، به فرهنگ مهدویت متمایل شوند و موضوع مهدویت در آن‌جا مدیریت گردد.

دولت زمینه‌ساز
باید بداند که در
صورت توفیق
نیافتن در جلب نظر
عامه مردم، بی‌شک
در رسیدن هدف
والای خود دچار
چالش خواهد گردید

۳. برگزاری همایش‌های بین المللی دکترین مهدویت

در جهان اسلام و حتی در کشورهای غیرمسلمان، متفکرانی هستند که در مقوله مهدویت، حرف‌هایی شنیدنی و مؤثر دارند، این مسئله و نیز ایجاد حساسیت فکری در میان اندیشه‌وران جهان راجع به ایده حکومت عدل‌گستر جهانی، لزوم برگزاری همایش‌هایی بین المللی در زمینه دکترین مهدویت را حتمی می‌کند.

۴. جشن‌واره‌های فرهنگی - هنری مهدویت و تجلیل از فعالان مهدوی

طبع آدمی بر این امر سرشته شده است که اگر در قبال کارهایی که انجام می‌دهد، از او قدردانی شود، بر استمراربخشیدن کار خویش و نیز دقت و نوآوری در آن، انگیزه بیشتری خواهد یافت؛ به علاوه، توجه به یک اندیشه و مطرح‌نمودن فعالان آن، زمینه را برای توجه دیگران فراهم می‌آورد. برگزاری جشن‌واره‌هایی ویژه فعالیت‌های فرهنگی و هنری مهدویت، همان مطلوبی است که همه این برکات را به دنبال خواهد داشت.

۵. تأسیس رسانه‌های برون‌مرزی نشر (معارف) مهدوی

امام باقر 7 می‌فرماید:

يُخْرِجُ مِنْ مَكَّةَ هُوَ وَمَنْ مَعَهُ الثَّلَاثُمِائَةَ وَبَضْعَةَ عَشَرَ يُبَايِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ مَعَهُ عَهْدُ نَبِيِّ اللَّهِ وَرَأَيْتَهُ وَسَلَّحَهُ وَوَزِيرُهُ مَعَهُ فَيُنَادِي الْمُنَادِي بِمَكَّةَ بِاسْمِهِ وَأَمْرُهُ مِنَ السَّاءِ حَتَّى يَسْمَعَهُ أَهْلُ الْأَرْضِ كُلِّهِمْ.^{۸۲}

یکی از نکات جالب توجهی که در این روایت به چشم می‌خورد، ندای کسی است که حضرت را با اسم مبارکش نام می‌برد و تمام زمینیان این ندا را می‌شنوند و این‌گونه از قیام حضرت آگاه می‌گردند. این مطلب برای همه منتظران تلاش‌گر و مخصوصاً دولت زمینه‌ساز، الهام‌کننده آن است که باید با فراهم نمودن ابزار و رسانه‌های قدرت‌مند برون‌مرزی، پیام مهدویت را به سراسر عالم رساند و جهان تشنه عدالت و معنویت را برای قدوم مبارک دادگستر جهان، آماده و مشتاق نمود.

۶. حمایت از مستضعفان؛ شافیه آرمان مهدویت

یکی از ویژگی‌های بارز دوران حکومت حضرت مهدی 4، به

قدرت رسیدن مستضعفانی است که در عین لیاقت، از حقوق خود محروم شده‌اند؛ قرآن کریم می‌فرماید:

(وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)؛^{۸۳}

و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم.

دولت منتظر و زمینه‌ساز حکومت مهدوی، باید یکی از اصول قطعی سیاست خارجی خویش را حمایت ستم‌دیدگان عالم، در حد توان قرار دهد. توجه انسان‌های رنج‌کشیده عالم، به این ویژگی بارز دولتی که این سیاست خویش را الهام گرفته از حکومت جهانی مهدی موعود 4 می‌داند، می‌تواند در جذب قلوبشان تأثیر زیادی داشته باشد و بدین‌گونه دولت زمینه‌ساز، با پشتوانه افکار عمومی جهانیان، در پیش‌برد مقاصد فرامنطقه‌ای و حل معضلات و موانع خارجی خود، توفیق زیادی را به دست آورد.

ب) کارویژه با کشورهای اسلامی

راه‌بردهای عامی که در ابتدا شمرده شد، در نحوه تعامل دولت زمینه‌ساز با کشورهای اسلامی نیز نقش مهمی را ایفا می‌کند، اما غیر از آن موارد، می‌توان کارویژه‌هایی را نیز به سبب ویژگی اسلامی بودن این کشورها در نظر گرفت؛ زیرا با توجه به این‌که موضوع مهدویت جزء مسلمات دین اسلام است و تقریباً تمام مذاهب اسلامی با همه اختلافاتشان، کلیت آن را به منزله یک مسئله ضروری اسلام پذیرفته‌اند، این امر، بستر مناسبی را برای فعالیت بیشتر مهدوی در این کشورها فراهم می‌کند؛ به همین علت، یکی از زمینه‌های طرح مباحث مهدویت را در این‌جا طرح می‌نماییم و موارد دیگر را به اندیشه‌وران این حوزه واگذار می‌کنیم.

ترویج آموزه مهدویت؛ محور و مدت بین مسلمانان

کسی که تاریخ کشورهای اسلامی مخصوصاً سده اخیر را مطالعه کند، به خوبی درمی‌یابد که زمانی ملت اسلام، ملتی قدرت‌مند و تمدن‌ساز در جهان به شمار می‌آمد و مسلمانان، فرهنگ خود را در تا آسیای دور و جنوب اروپا و شمال آفریقا گسترش داده بودند و در بسیاری از دانشگاه‌های غرب، متون مسلمانان تدریس می‌شد؛ اما به تدریج این سیطره سیاسی و فرهنگی، رو به افول گذاشت

و فرهنگ غرب، آرام آرام بر کشورهای اسلامی مسلط شد؛ به طوری که حتی استقلال سیاسی بسیاری از این کشورها از بین رفت.

اگر بخواهیم علت این رکود را جست‌وجو کنیم، طبق نظر بسیاری از متفکران اسلامی، بی‌تردید تفرقه بین مسلمانان، یکی از این عوامل به شمار می‌آید. شعار معروف استعمار مبنی بر «تفرقه بیندار و حکومت کن»، شاهد خوبی بر این مدعاست.

برای حل این مشکل و ایجاد وحدت بین مسلمانان، تلاش‌های زیادی صورت گرفته و راه‌حلهایی نیز ارایه گشته، اما در عمل، توفیق کمی نصیب مسلمانان شده است.

یکی از راه‌هایی که بی‌شک می‌تواند در وحدت امت اسلام نقش فراوانی داشته باشد و آنها را از رنج ذلت به اوج عزت برساند، طرح اندیشه مهدویت است که در متون اسلامی ما، از جمله قرآن کریم و روایات نبی مکرم اسلام نیز عبارات‌های فراوانی در این باره به چشم می‌خورد.

توجه دادن مسلمانان به این گنجینه عظیم و این که تنها عاملی که می‌تواند شوکت و عظمت سابق اسلام را برگرداند و مسلمانان را در سراسر عالم عزیز گرداند، در وحدت و تجمع قدرت مسلمانان تأثیر چشم‌گیری خواهد داشت. چگونه چنین نباشد در حالی که قرآن چنین چیزی را وعده داده است:

(هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) ^{۸۵}

او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

و نیز در کتب تفسیری شیعه و سنی در ذیل همین آیه و هم‌چنین در کتب حدیثی فریقین، روایاتی از پیامبر اکرم ﷺ وجود دارد که عزت اسلام و مسلمانان را فقط به وسیله حضرت مهدی 4 امکان‌پذیر می‌داند؛ برای نمونه، رسول اکرم ﷺ در ضمن کلامی می‌فرماید:

إذا أراد الله عز وجل أن يعيد الإسلام عزيزاً أقصم كل جبار وهو القادر على ما يشاء أن يصلح أمة بعد فسادها. فقال عليه الصلاة والسلام: يا حذيفة، لو لم يبق من الدنيا إلا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يملك رجل من أهل بيتي، محجري الملاحم علي يديه، و يظهر الإسلام، لا يخلف وعده، و هو سريع الحساب. ^{۸۶}

بنابراین، سرمایه‌گذاری در این امر برکات زیادی را برای جامعه مسلمانان و آمادگی برای ظهور امام زمان به همراه خواهد داشت.

ج) کارویژه با کشورهای غیراسلامی

علاوه بر راه‌بردهایی عامی که برای گسترش ایده مهدویت در مورد کشورهای غیراسلامی وجود دارد - و در قبل به برخی از آنها اشاره شد - کارویژه‌هایی را مخصوص این کشورها و با توجه به آمادگی‌های فرهنگی و فکری آنها می‌توان ارایه داد که در این مجال، تنها به یکی از این فرصت‌ها به اجمال می‌پردازیم.

دولت منتظر و زمینه‌ساز حکومت مهدوی، باید یکی از اصول قطعی سیاست خارجی خویش را حمایت ستم‌دیدگان عالم، در حد توان قرار دهد



بهره‌گیری از عنصر منجمی‌گرایی برای نزدیکی ملت‌ها

بحث منجی و مصلح جهانی، یکی از بحث‌های جالب توجه همه ادیان ابراهیمی و اکثر ادیان و مذاهب غیر ابراهیمی است که قسمتی از متون و عقاید آنها را تشکیل می‌دهد. محمد امین زین‌الدین می‌گوید:

شکی نیست که اعتقاد به اصلاح جامعه از وضعیت موجود، از ابتدای تاریخ بشر در ذهن مردم وجود داشته است و از عقاید اختصاصی دین اسلام نیست؛ زیرا در بین ادیان آسمانی قبل از ظهور اسلام، مشاهده می‌کنیم که همگی خبر از وقوع این حقیقت داده‌اند و حتی صفات مصلح و راه‌کارهای اصلاحی او را نیز بیان کرده‌اند، گرچه نام او را مهدی و دعوت اصلاحی او را به نام مهدویت نگذاشته‌اند... این عقیده و فکر، حتی به ادیان دیگر از قبیل زردشتی و برهمنی و... نیز سرایت کرده است...^{۸۷}

در دهه‌های اخیر، این عقیده به صورت پررنگ‌تری حتی در جوامع غربی مطرح شده است. ظهور فردی فوق‌العاده در آخرالزمان که نیکی و عدل را در سراسر دنیا گسترش خواهد داد و بساط تاریکی و ظلم را جمع خواهد کرد، روز به روز به یکی از بحث‌های رایج فرهنگی و حتی سیاسی تبدیل شده و اذهان را به خود معطوف ساخته است؛ با چنین روی کردی که در سراسر عالم جریان دارد، بهره‌گیری از آن برای معرفی منجی موعودی که اسلام داعیه‌دار آن است، بسیار به‌جا و مناسب به نظر می‌رسد و همین نقطه مشترک، می‌تواند برای نزدیک‌تر شدن اذهان ملل و به دنبال آن ایجاد آمادگی جهانی برای ظهور موعود امت‌ها، زمینه خوبی به شمار آید. به هر حال این وعده حتمی خداست که:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^{۸۸}

و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

و ما امیدواریم که بتوانیم زمینه‌ساز حکومت عدل مهدوی باشیم و خود نیز آن دوره طلایی زندگی بشر را درک کنیم - ان شاء الله.

پی‌نوشت‌ها

* دانش‌آموخته مرکز تخصصی مهدویت.
** دانش‌آموخته مرکز تخصصی مهدویت.

۱. سوره قصص، آیه ۵.

۲. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۳. عبدالرحمان عالم، *بنیادهای علم سیاست*، ص ۱۳۸، تهران: نشر نی، ۱۳۷۸ش.

۴. دلیل طرفداران این نظریه، روایاتی است که وقت ظهور را شبیه به وقت قیامت می‌دانند؛ از جمله روایت مفضل از امام صادق ۷ که می‌فرماید: «...لأنه هو الساعة التي قال الله تعالى: (يَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ). (محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۵۳، ص ۲، بیروت: انتشارات مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق)؛ زیرا آن ظهور مهدی همان ساعت (و قیامتی) است که خداوند متعال درباره آن می‌فرماید: (يَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا...)، درباره قیامت از تو سؤال می‌کنند، کی فرا می‌رسد. بگو: علمش فقط نزد پروردگار من است و هیچ کس جز او [نمی‌تواند] وقت آن را آشکار سازد.

۵. «المهدی من ولدی تکنون له غیبة اذا ظهر یملا الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً». (لطف‌الله صافی گلپایگانی، *منتخب الاثر*، ص ۳۱۰، مکتبه آیه الله صافی گلپایگانی، ۱۴۲۸ق)؛ حافظ سلیمان حمسی قندوزی، *ینابیع المودة*، ج ۳، ص ۱۱۵، کاظمین: بی‌نا، ۱۳۸۵ق)

۶. «المهدی من ولدی تکنون له غیبة اذا ظهر یملا الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً»؛ (علاء‌الدین علی متقی هندی، *البرهان فی علامات آخر الزمان*، ص ۷۸) مهدی ۴ از فرزندان من است. برای او غیبتی است، هنگامی که ظاهر شود، زمین پر از قسط و عدل می‌شود؛ همان‌طور که پر از جور و ظلم شده است.

۷. ﴿وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾؛ و باید از میان شما، گروهی، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند. (سوره آل عمران، آیه ۱۰۴)

۸. ناصر مکارم شیرازی، *حکومت جهانی مهدی ۴*، ص ۸۰ - ۸۳، قم: انتشارات هدف، ۱۳۵۷ش.

۹. سوره انفال، آیه ۶۰؛ سوره انبیاء، آیه ۱۰۵؛ سوره قصص، آیه ۵.

۱۰. سوره سبأ، آیه ۵۱.

۱۱. سوره سبأ، آیه ۵۲.

۱۲. سورة سبأ، آية ۵۴.
۱۳. سيد محمدحسين طباطبائی، *الميزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۵، ص ۵۹۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۱۴. سورة رعد، آية ۱۱.
۱۵. سورة انفال، آية ۵۳.
۱۶. سورة اعراف، آية ۹۶، آية ايمان و تقوا؛ سورة يوسف، آية ۱۱۰، آية یأس؛ سورة بقره، آية ۲۱۴، آية نصر.
۱۷. احمد بن فارس، *مقاییس اللغة*، ذیل ماده «وطی»، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۱۸. جلال الدین سیوطی، *الحوای للفتاوی*، ج ۲، ص ۶۰، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق؛ *بحار الانوار*، ج ۵۱، ص ۸۷.
۱۹. *مقاییس اللغة*، ذیل ماده «مهید».
۲۰. «آنها که کار شایسته انجام می دهند، سود خود را آماده می سازند.» (سورة روم، آية ۴۴)
۲۱. محمد بن زید قزوینی، *سنن ابن ماجه*، ج ۲، ص ۱۳۶۶، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۲۲. محمد بن ابراهیم نعمانی، *الغیبه*، ص ۴۰۸، باب ۱۵، ج ۲، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ق.
۲۳. همان، ص ۴۰۹، باب ۱۵، ج ۵.
۲۴. *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۱۳۱.
۲۵. همان، ص ۳۴۶.
۲۶. «اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة، تعز بها الاسلام و أهله، وتذل بها النفاق و اهله، و تجعلنا فيها من الدعاة الى طاعتك، والقادة الى سبيلك، و تزرقنا بها كرامة الدنيا والأخرة»؛ خداوند! ما از تو دولت ارزش مندی را خواهانیم که با آن، اسلام و اهلس را عزت بخشی و نفاق و اهلس را خوار گردانی و ما را در آن دولت، از دعوت کنندگان به فرمان برداری از خود قرار دهی. (ابراهیم بن علی کفعمی، *المصباح*، ص ۵۸۱، قم: انتشارات رضی، ۱۴۰۵ق؛ همو، *البلد الامین*، ص ۱۹۵، چاپ سنگی)
۲۷. شیخ عباس قمی، *مفاتیح الجنان*، دعای عدیله؛ شهاب الدین سهروردی، *مجموعه مصنفات*، تصحیح: هانری کرین، ج ۲، ص ۱۱، تهران، بی تا، ۱۳۵۵ش.
۲۸. «لو لا الحجة لساخت الأرض بأهلها». (محمد بن یعقوب کلینی، *اصول کافی*،

- ج ۱، ص ۱۰، باب ۴، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش)
۲۹. قال الرضا ۷: «فإن الناس لو علموا محاسن كلامنا لآتبعونا». (محمد بن حسن حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۲۷، ص ۹۲، قم: انتشارات مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ق)
۳۰. «من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه». (محمد بن علی بن بابویه، *کمال الدین و تمام النعمه*، ص ۴۰۹، ج ۹، قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ق)
۳۱. (وَمَنْ عَدَّهُ عَلِمَ الْكِتَابِ). (سورة رعد، آية ۴۳)؛ *تفسیر المیزان*، ج ۶، ص ۳۰.
۳۲. يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ). (سورة روم، آية ۱۹)؛ *تفسیر المیزان*، ج ۸، ص ۱۲۴.
۳۳. (وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ). (سورة نوره، آية ۵۵)
۳۴. *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۳۲۱.
۳۵. همان، ص ۳۱۶.
۳۶. برای مثال، در نهج البلاغه برخی از جلوه های خدامحوری را می توان این گونه بیان نمود: ۱. استکبارستیزی (خطبه ۲۳۴)؛ ۲. توجه به مسئولیت های انسان (خطبه ۱۹۰)؛ ۳. جو ناپذیری (خطبه ۱۳۰)؛ ۴. اخلاص و فداکاری (خطبه ۱۳)؛ ۵. انقلاب ارزش ها (خطبه ۱۸۴) و... (جمعی از نویسندگان، *اندیشه سیاسی در گفتمان علوی*، قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴ش)
۳۷. *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۳۴۰.
۳۸. انسان گرایی (اومانیسیم - Humanism) مکتبی فکری است که بر اساس آن انسان، می تواند هر کاری را انجام دهد و اصل و ریشه هر چیزی به انسان برمی گردد.
۳۹. *بحار الانوار*، ج ۵۱، ص ۷۴؛ *منتخب الاثر*، ص ۱۶۹.
۴۰. یوسف بن یحیی مقدسی شافعی، *عقد الدرر*، ص ۱۴۵، باب ۷، بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۷م؛ هیئت علمی مؤسسه معارف، *معجم الاحادیث الامام المهدي*، ج ۳، ص ۲۹۵، قم: انتشارات مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۸ق.
۴۱. سورة فاطر، آية ۱۰؛ سورة یونس، آية ۶۵؛ سورة نساء، آیات ۱۳۸ - ۱۳۹.



۴۲. سورة مناقون، آیه ۸.
۴۳. سورة آل عمران، آیه ۲۶.
۴۴. محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضر الفقیه، ج ۴، ص ۲۴۳، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۴۵. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۱۶۵، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۷۴ش.
۴۶. سید علی ابن طاووس، الملاحم و الفتن، ص ۱۰۸، قم: انتشارات الرضی، ۱۹۷۸م.
۴۷. (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ). (سورة نور، آیه ۵۵)
۴۸. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۵۳۱، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۴۹. «مردم جز یک امت نبودند، میانشان اختلاف افتاد». (سورة یونس، آیه ۱۹)
۵۰. کمال الدین، ج ۷: بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۸، ج ۲۰.
۵۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۵.
۵۲. امام خمینی: در این زمینه می فرماید: «امید است که وحدت خودتان را حفظ کنید، در این زمانی که احتیاج به وحدت است، و با همان قدرتی که تا این جا آمدید، از این جا به بعد هم با همین قدرت به پیش بروید و یک حکومت اسلامی عادلانه - ان شاء الله - تأسیس بشود... همه بتوانیم پرچم اسلام را بلند کنیم؛ زیر سایه قرآن باشیم و یک حکومت عدلی که در صدر اسلام اتفاق افتاده است و بعدها نگذاشته اند، اتفاق بیفتد. ان شاء الله با همراهی همه قشرهای ملت، یک چنین حکومتی در این جا تأسیس بشود. و از این جا هم ان شاء الله، به جاهای دیگر سرایت کند و همه ممالک اسلامی تحت لوای اسلام با هم متحد باشند، بلکه همه مستضعفان جهان - ان شاء الله - از قید و بند مستکبرین خارج بشوند». (روح الله خمینی، صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۴۰۴، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی)
۵۳. سورة انبیاء، آیه ۱۰۵.
۵۴. نبی مکرم اسلام ﷺ قبول مسئولیت از طرف کسی که بداند شایسته تر از او وجود دارد را خیانت می داند. (کنز العمال، ج ۶ ص ۲۵)
۵۵. «ویختار المهدي الموعود 4 لحکم الأرض ولأه هم خیرة أصحابه الذین یتحلون بأعلى کفائات الوالی الاسلامی من العلم والفقہ والشجاعة والنزاهة والإخلاص... وهو مع ذلك متابع لأمورهم وطريقة قیامهم بمهامهم ویحاسبهم بشدة فإن علامة المهدي أن یكون شديداً على العمال جواداً بالمال رحيماً بالمساكين». (محمد بن حسن حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۴، قم: المطبعة العلمیة: ابی شیبہ کوفی، مسند ابی شیبہ، ج ۱۵، ص ۱۹۹، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ق)؛ «انه یأخذ البيعة عن اصحابه أن لا یکنزوا ذهباً و لا فضة و لا بزاً و لا شعیراً و یلبسون الخشن من الثیاب». (منتخب الاثر، ص ۵۷۰)
۵۶. سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۷۴، قم: انتشارات الهادی.
۵۷. نهج البلاغه، ترجمه: دشتی، قم: انتشارات دارالهجرة.
۵۸. سورة حجر، آیه ۷۵.
۵۹. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶.
۶۰. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۴.
۶۱. عن امیرالمؤمنین علی ۷: «انما سمیت الشبیهه شبیهه، لانها تشبه الحق، فاما اولیاء الله فضیاءهم فیها البقین ودلیلهم سمت الهدی»؛ شبیهه را شبیهه نامیده اند، چون به حق شبیهه است. اما دوستان خدا [را] نمی تواند بفریاد؛ زیرا [بقرین، چراغ راه ایشان است و رهبر ایشان، آن جہتی است که هدایت و رستگاری آنان را بدان سو راهبر است. (نهج البلاغه، خطبه ۳۸)
۶۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.
۶۳. جمعی از نویسندگان، نگاہی تحلیلی به زندگی حضرت مهدی ۴، ص ۱۰۶، دبیرخانه دایمی اجلاس، ۱۳۷۹.
۶۴. «و ما احدثت بدعه الا ترک بها سنه فاتقوا البدع و الزموا المہج ان عوازم الامور افضلها و ان محدثاتها شررها». (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۵، ص ۱۸۸)
۶۵. این شفاف سازی تا جایی پیش خواهد رفت که برخی به آوردن دین جدیدی توسط امام قایل خواهند شد! (اثبات الهداه، ج ۷)
۶۶. کافی، ج ۱، ص ۲۵، ج ۲۱: کمال الدین، ص ۶۷۵، ج ۳۰: بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۳۶، ج ۷۱.
۶۷. (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضْ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ). (سورة انفال، آیه ۶۵)
۶۸. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۸.
۶۹. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۷۸.
۷۰. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.
۷۱. نعمانی، الغیبة، ص ۳۳۰.
۷۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.
۷۳. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.
۷۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.
۷۵. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۳.
۷۶. حسن بن ابی الحسن دلمی، اعلام الدین، ص ۸۴، قم: انتشارات مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
۷۷. حسن بن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۱۹، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۷۸. نعمانی، الغیبة، ص ۲۷۹.
۷۹. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.
۸۰. محمد تقی زاده، سیمای مدینه منتظران، ص ۲۶۷ - ۲۶۸، با تلخیص.
۸۱. همان، ص ۲۸۷.
۸۲. محمد بن حسن طوسی، الغیبة، ص ۴۵۲، قم: انتشارات مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۸۳. محمد بن مسعود عیاشی، التفسیر، ج ۱، ص ۶۴، تهران: چاپخانه علمی، ۱۳۸۰ق.
۸۴. سورة قصص، آیه ۵.
۸۵. سورة توبه، آیه ۳۳.
۸۶. عقد الدرر، ص ۶۲.
۸۷. موعودشناسی رضوانی، به نقل از: دکتر احمد امین، فی حدیث المهدي و المهديه، ص ۱۱.
۸۸. سورة انبیاء، آیه ۱۰۵.